



میز آینده پژوهی آموزش عالی ایران

جهان متحول، دانشگاه ایرانی

و

آینده یاددهی - یادگیری



گزارش (۵)

آذرماه ۱۳۹۳

تحریر و تدوین مباحث پنل: حسین سمیعی  
جمع بندی مباحث پنل: دکتر مقصود فراستخواه



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

میز آینده پژوهی آموزش عالی ایران

میز آینده پژوهی آموزش عالی ایران

## جهان متحول، دانشگاه ایرانی

و

## آینده یاددهی - یادگیری

تحریر و تدوین مباحث پنل:

حسین سمیعی

جمع بندی مباحث پنل:

دکتر مقصود فراستخواه

آذر ماه ۱۳۹۳



### شناسه گزارش

<p><b>اعضای پنل:</b>          دکتر فریده مشایخ (رئیس پنل)؛ دکتر نسرین نورشاهی (رئیس          موسسه)، دکتر رضا منیعی (معاون پژوهشی موسسه)؛ سرکار          خانم معصومه قارون (معاون اجرایی موسسه)؛ دکتر پروین کدیور          (عضو هیات علمی خوارزمی)؛ دکتر مقصود فراستخواه؛ دکتر          کاوه بازرگان؛ دکتر داود حاتمی، سعید راصد؛ رضا عسکری          مقدم؛ اردشیر سیاح؛ علیرضا اسدی؛ علیرضا همتی؛ سیده مریم          حسینی لرگانی؛ اسماعیل رحیمی؛ فروزنده سعادت‌مند؛ نسرین          قطبی؛ زهره سیفی پور، پریش اسدی، مژگان مهرپرور؛ حسین          سمیعی.</p> <p><b>همکار تدوین گزارش:</b>          سمیه اشراقی</p>	<p><b>شماره گزارش: گزارش ۵</b>  <b>عنوان گزارش:</b>          جهان متحول، دانشگاه ایرانی و آینده یاددهی - یادگیری</p> <p><b>تاریخ برگزاری پنل:</b>          چهارشنبه - ۱۳۹۳/۸/۲۶</p> <p><b>مکان برگزاری پنل:</b>          موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.</p> <p><b>جمع بندی مباحث پنل:</b>          دکتر مقصود فراستخواه</p> <p><b>همکار علمی در تدوین مباحث پنل:</b>          حسین سمیعی</p>
-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	مقدمه: درباره پنل و روش کار
۶	دکتر نسرين نورشاهی : رئیس موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی
۲۱-۱۳-۷	دکتر مقصود فراستخواه: عضو هیات علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی
۸	دکتر پروین کدیور: عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی
۱۸-۱۰	دکتر فریده مشایخ: صاحب نظر در پداگوژی، دکتر از دانشگاه لوزان - سوئیس
۱۱	مریم حسینی لرگانی: عضو هیات علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی
۱۳	اردشیر سیاح پژوهشگر / دوره دکتری آینده پژوهی (مرحله تحقیق تز)
۱۴	علیرضا اسدی پژوهشگر / دوره دکتری آینده پژوهی (مرحله تحقیق تز)
۱۴	علیرضا همتی پژوهشگر / دوره دکتری آینده پژوهی (مرحله تحقیق تز)
۱۵	اسماعیل رحیمی: پژوهشگر دانش آینده پژوهی ، بنیانگذار جامعه جهانی آینده های روشن
۲۶	نسرين قطبی: کارشناس موسسه
۲۶	دکتر کاوه بازرگان : عضو هیات علمی گروه مدیریت و فناوری اطلاعات
۲۶	دکتر رضا منیعی: معاون پژوهشی موسسه
۲۸	نتیجه گیری



## مقدمه: درباره پنل و روش کار

پنل میز آینده پژوهی با حضور ریاست پنل سرکار خانم دکتر فریده مشایخ و اعضای پنل و با موضوع «جهان متحول، دانشگاه ایرانی و آینده یاددهی - یادگیری» ساعت ۱۱ الی ۱۳ روز چهارشنبه ۲۶ آبان در محل موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزشی آموزش عالی برگزار شد. در این پنل هر یک از اعضای پنل دیدگاه‌های خود را درباره دانشگاه ایرانی و آینده یاددهی - یادگیری بیان کردند. در ادامه دیدگاه‌های هر یک از اعضای پنل ارائه و در پایان جمع بندی و نتیجه گیری شده است:



### دکتر نسرين نورشاهی : رئیس موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی

... اینکه در هر حوزه ای پرداختن به آن حوزه یکی از مسئولیتهای نهادهای علمی و پژوهشی است. یکی از حوزه هایی که در زیر مجموعه آموزش عالی دغدغه ما است، بحث فرایندهای یادگیری و یاددهی است. من خودم یک دانشجوی کوچکی از حوزه علوم تربیتی هستم و همیشه دغدغه خودم این بود که ما در فرایند یادگیری و یاددهی چه می کنیم. در وضعیت موجود چه می کنیم، انتظارمان چیست؟ و تصورمان از یک وضعیت مطلوب چیست؟ فکر میکنم این دغدغه تمام کسانی است که به نحوی در حوزه آموزش در همه سطوح، اعم از قبل از دانشگاه، بعد از دانشگاه یا در سطوح بالاتر، به هر حال دستی بر آتش دارند، حالا یا مسئولیت اجرایی دارند یا محقق و پژوهشگر هستند، سیاست گذار هستند و ...

ابتکار تاسیس این میز به آقای دکتر فراستخواه بر می گردد، ایشان پیشنهاد دادند که ما به دلیل اهمیت بحث آینده پژوهی که به دلیل حوزه تخصص موسسه ما که آینده پژوهی در حوزه آموزش عالی می شود، یک ساختار گفتگویی را طراحی بکنیم و از انواع و اقسام روش های آینده پژوهی هم روش خاص گروه کانونی را انتخاب کردند و گفتند شاید این روش، روشی است که ما را سریعتر می تواند به نتیجه برساند و با توجه به امکانات و فرصت هایی که ما در اختیارمان است با این شیوه بتوانیم موضوعات مختلفی را که می تواند موضوع آینده پژوهی قرار بگیرد در واقع به اهدافمان برسیم. من ایشان را خیلی شایسته و به حق برای این جلسه دیدم، من فکر میکنم این پنجمین جلسه و نشست تخصصی ما در این میز آینده پژوهی است، امروز به حق این موضوع بسیار مهم و حیاتی را انتخاب کردند. بحث جهان متحول، دانشگاه آینده، دانشگاه ایرانی و آینده دانشگاه به خصوص با تمرکز بر بحث یادگیری و یاددهی. سرورانی که دعوت شدند من می دانم خودتان اساتیدی هستید که حرف اول را در این حوزه می زنند، من فقط خواستم یک خوشامد و فتح بابی کرده باشم و یک مقدمه و اطلاعی دهم که چه شد که این میز شکل گرفت و چرا؟ معمولاً ما حاصل مباحثی که در جلسات میز آینده پژوهی مان انجام می شود را مستندسازی می کنیم و با یک شیوه کاملاً علمی دوباره به محققان محترم بر می گردانیم، بازنگری ها و اصلاحاتی انجام می شود و سعی می کنیم در یک سطح وسیعی به کلیه ذینفعانی که فکر میکنیم مباحث مطرح شده در اینجا می تواند مورد استفاده شان قرار بگیرد چه در بحث اجرا و چه در بحث علم و پژوهش اطلاع رسانی کنیم.





## دکتر مقصود فراستخواه:

با سلام و سپاس، میدان بحث را در پرده ملاحظه می فرمایید:

موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی  
میزبانیندوژی آموزشی آموزش عالی  
جهان متحول، دانشگاه ایرانی و آینده یاددهی-یادگیری

### اعضای محترم پنل ضمن تشکر

#### دامنه کلی بحث و گفتگو در پنل عبارت است از:

۱. از کلاس درس آینده دانشگاه‌ها چه تصویری داریم؟
۲. مهم‌ترین پدیده‌های توظهور برنام‌های درسی دانشگاهی در دنیا کدامند؟
۳. کلاس‌های درسی دانشگاه‌های ایرانی تا چه حد با آهنگ تحولات جهانی آموزش دانشگاهی همزمانی دارد؟
۴. محیط‌های یاددهی و یادگیری دانشگاهی ما در سال‌های آتی با چه تغییرات چالش‌زایی دست به گریبان خواهند بود؟
۵. دگرگونی‌های جاری و آتی آموزش‌های دانشگاهی چه فرصت‌ها و تهدیدهایی برای آموزش عالی ایران دارد؟
۶. با درکی که از آینده علم‌آموزی در دانشگاه‌ها در جهان و ایران، و از ظرفیت‌ها و چالش‌های آن داریم، چه سیاست‌ها و راهبردهایی برای جهت‌گیری به سمت آینده مطلوب لازم است؟

ابتدا از حضورتان اجازه می‌خواهم اعضای پنل خود را معرفی کنند:

اینجانب مقصود فراستخواه: عضو هیات علمی موسسه، برنامه ریزی توسعه، آموزش عالی  
دکتر داود حاتمی: عضو هیات علمی موسسه، صاحب‌نظر در حوزه زبان و ادبیات و آموزش عالی

مریم حسینی: عضو هیات علمی موسسه، برنامه ریزی درسی

دکتر پروین کدیور: رشته روانشناسی تربیتی، یادگیری و رشد.

راسخ: دانشجوی دورهٔ دکتری برنامه ریزی درسی

دکتر فریده مشایخ: دکترای پداگوژی

رضا عسگری مقدم: عضو هیات علمی دانشکده فرهنگ و هنر و معماری، دانش آموخته رشته جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی علم

معصومه قارون: عضو هیات علمی، اقتصاد آموزش عالی

نسرین نورشاهی: علوم تربیتی، شاخه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی

رضا منبعی: عضو هیات علمی موسسه، برنامه ریزی توسعه آموزش عالی

اردشیر سیاح: رشته آینده پژوهی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، مدیریت بحران، آینده پژوهی

اسدی: رشته آینده پژوهی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، آینده پژوهی

همتی: هیات علمی مرکز تحقیق و توسعه سیاست‌های علوم پزشکی تهران، رشته آینده پژوهی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی،

آینده پژوهی سایستگذاری و برنامه ریزی

کاوه بازرگان: هیات علمی گروه مدیریت و فناوری اطلاعات دانشگاه مدیریت، رشته دکترا تعامل انسان و رایانه (اخیرا یک طرح جامعی را با سازمان

فناوری اطلاعات ایران در زمینه آسیب شناسی ضعف سیاست‌های علمی و پژوهشی حالا چه در سطح خود وزارت خانه و چه آموزش عالی، انجام

دادیم از جمله عدم گذار نگاه فنی به نگاه اجتماعی فنی و بعد یاددهی و یادگیری مستلزما در این نگاه بسیار تاثیرگذار است و از طرفی یک ارتباط

خیلی پرننگی هم برقرار کردیم یا ACM و پایگاه HCI در ایران توسط خود دانشگاه شهید بهشتی که دارد به عنوان یک قطب که دارد به رسمیت

شناخته میشود و ثبت می‌شود که برای آموزش این حوزه در حوزه‌های مختلف نقش آفرینی می‌کند)

پرویش اسدی: عضو گروه اقتصاد موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی

نسرین قطبی: عضو گروه اقتصاد موسسه و رشته تحصیلی ام توسعه اقتصادی



سیفی پور: کارشناس موسسه

مژگان مهرپرور: کارشناس پژوهشی رشته: مدیریت و برنامه ریزی آموزشی

فروزنده سعادتمند: کارشناس ارشد، MBA



#### دکتر پروین کدیور: عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی

آموزش عالی در سال های آتی با چالش ها و فرصت هایی مواجه است که دانشگاه و کلاسهای درس را تحت تأثیر قرار می دهد و بدون برداختن به آن نمی توان از کلاسهای آتی صحبت کرد.

الف. چالش عمده تغییرات گریز ناپذیری است که بیش رو داریم .یعنی آنچه در دو دهه اخیر قابل پیش بینی است ، تغییرات سریع و اجتناب ناپذیر در همه جوانب است از آن جمله تغییرات سریع تکنولوژی، علم و جمعیت دانشجویی فعال و با انتظارات بیشتر برای خدمات آموزشی متنوع و به روزاست در چنین شرائطی دانشگاه باید:

۱-آمادگی لازم برای انعطاف پذیری و نوآوری با توجه به شرایط و تغییرات دهه های اخیر را داشته باشد.

۲-خدمات آموزشی متنوعی را با توجه به نیازهای جامعه فراهم آورد.

۳-روشها، فرایندها، برنامه هاو ارزشیابی معمول را که به طرز نومید کننده ای نا کارآمد است را تغییر دهد.

۴-آمادگی روبرو شدن با محیط های چالش انگیز و در عین حال رقابتی آینده را داشته باشد.

۵-دانشجویان کار آمد را برای بازار کار با کیفیتی ملی و جهانی آماده کند.

۶-از همه مهمتر با یافته های جدید روانشناسی یادگیری همراه با پیشرفتهای فن اوری اطلاعات توجه کند.

ب-چالش دیگر آموزش عالی این است که چگونه دانشگاه ها را با بودجه محدود فعلی به روز کند تا دانشگاه ها کارایی و تأثیر گذاری بیشتری داشته باشند کیفیت آموزش را بالا ببرند، دانشجویان را در یادگیری درگیر کنند، دانشجویانی را تربیت کنند که بتوانند به نحوی کاربردی از آنچه یاد می گیرند استفاده کنند و با شرایط رقابتی و چالش انگیز آتی روبرو شوند.

ج-یکی دیگر از چالش های آموزش عالی مدیریت و هدایت دانشگاه هاست که بیش از همه باید مورد توجه آموزش عالی باشد. کلاس های اتی و چگونگی مدیریت و اداره ان نیز مساله ای قابل تامل است.

مدیریت دانشگاه باید مشارکتی باشد. این اصل در کلاسهای آینده نیز قابل تعمیم است. یعنی همه باید مسئول و پاسخگو در اداره دانشگاه باشند و در تحقق اهداف ان با یکدیگر همکاری کنند مدیریت دانشگاه مانند کلاسهای آینده باید همیشه آماده پذیرش تجارب جدید و نوآوری های ملی و بین المللی باشد.



#### کلاسهای آینده: چالشها و فرصت ها

- کلاس های آینده نیز با تغییرات گریز ناپذیر مواجه خواهند بود که باید آمادگی برای تغییرات علمی و تکنولوژی جدید را داشته باشند.
- باید بتوانند این تغییرات را مدیریت کنند .
- روش های کهنه باید فراموش شوند
- مدیریت کلاس مانند دانشگاه باید مشارکتی باشد. همه افراد(استاد و دانشجویان) باید مسئول یادگیری یکدیگر باشند.
- به دلیل حجم مطالب، تأکید بر اصول اساسی خواهد بود. دیگر مطالب جزئی کار ساز نخواهد بود
- در کلاس های آینده، اهداف مبتنی بر زندگی فرد است (اکنون و آینده).
- باید کلاس ها آمادگی استفاده از ظرفیت هایی که تکنولوژی های جدید فراهم می کند را داشته باشد.(بتواند از ظرفیت ها استفاده کند)
- تأکید کلاس های آینده بر راهبردهای فراشناختی، خود گردانی و انگیزشی خواهد بود

به طور کلی کلاس های آینده بر سه بعد تکیه خواهد کرد:

- ۱-مهارت های فردی(ابتکار،سخت کوشی، مسولیت پذیری، خلاقیت، خطرپذیری)
- ۲-مهارت های اجتماعی(همدلی، شفقت،همکاری، مشارکت، کارهای گروهی در شبکه)



### ۳- مهارت های یادگیری (مهارت های فراشناختی، سازمان دادن، مهارت های خود کارآمدی)

#### روش های یادگیری - یاددهی در کلاس های آینده

روش های یادگیری و یاددهی در مورد مهارت های فردی، یادگیرنده محور، با هدف، فعال، ساختن گرا، مبتنی بر انگیزش و درگیر شدن یادگیرندگان در فرایند یادگیری است.

روش های یادگیری و یاددهی در زمینه مهارت های اجتماعی، بر یادگیری از همکلاسان متمرکز و مشارکتی خواهد بود.

مهارت های یادگیری در همه جا، هر زمان، ترکیبی از مهارت های مجازی و غیر مجازی و مادام العمر خواهد بود.

آیا تکنولوژی می تواند جای معلم و کتاب را بگیرد

تغییرات آینده با همه وسعت خود چیزی فراتر از ظرفیت های جدید نخواهد بود. یعنی یادگیری، یادگیرنده، فرایند پیچیده یادگیری و یاددهی به قوت خود باقی خواهد بود. این ظرفیت ها تسهیل کننده یادگیری خواهد بود. می تواند کلاس های با تنوع سنی، سوابق مختلف را گرد هم بیاورد. بدیهی است که این تسهیلات هم فرصت هایی را برای یادگیری فراهم می آورد و هم با محدودیت هایی همراه.

در آینده با امکانات جدید، دسترسی به استاد مشکل نخواهد بود، بلکه می تواند تمام وقت شود. امکان بازخوردهای کافی و سریع فراهم می آید. محدودیت های زمان و مکان از بین خواهد رفت. با استفاده از شبیه سازی بسیاری از موارد غامض و یا بسیار انتزاعی قابل درک می شود. آزمایش هایی که ممکن است خطرناک باشد امکان شبیه سازی پیدا می کند. ولی این ظرفیت ها جای معلم را نمی گیرند. در عین حال محدودیت های ظرفیت های جدید را نیز باید نادیده گرفت. همگانی کردن سواد دیجیتالی از جمله یکی از محدودیت هاست. فراهم کردن تسهیلات برای همه نیز از جمله محدودیت های دیگر است.

#### دکتر فریده مشایخ: صاحب نظر و متخصص پداگوژی

"پس از اخذ درجه دکترای "پداگوژی" از دانشگاه لوزان - سوئیس، در وزارت علوم وقت، واژه "پداگوژی" (pedagogy) برابر با "علوم تربیتی" ترجمه شد. از آن هنگام، برای یافتن معادل واژه "پداگوژی" در زبان فارسی، همچنان پیگیر بوده ام. اخیراً، در ترجمه کتابی که توسط انتشارات "سمت"، با عنوان "پداگوژی از دوران باستان تا به امروز: نظریه و کاربرد" منتشر شده است، با توجه به تحول مفهوم پداگوژی، در بستر زمان، معادل علم و هنر یاددهی - یادگیری را انتخاب نموده و به کار برده ام. این انتخاب بر اساس زیر بنای نظری و پایش یافته های کاربردی حاصل از پژوهش و تدریس در مقیاس ملی و بین المللی است.

امروز با ورود فناوری اطلاعات و ارتباطات در محیط های یاددهی - یادگیری، کاربرد واژه "پداگوژی"، به عنوان محور موفقیت انسان در ایفای نقش شهروند مسئول و پاسخگو و یادگیرنده مداوم، بیش از پیش افزایش یافته و مورد تاکید در مجامع حرفه ای است. امروز، در عصر دانش بنیان، به یک نگاه همزمان "جامع نگر (holistic) و خرد نگر (heuristic) در رابطه با نقشی که علم و هنر یاددهی - یادگیری (pedagogy) می تواند در توسعه فرد و جامعه، به عنوان شهروندانی مسئول و پاسخگو ایفا نمایند، نیاز مندیم. موفقیت ما در ایفای نقش های گوناگون: مصرف کننده، تولید کننده، پژوهشگر، مدرس، قانونگذار و... به میزان درک ما از مفهوم پداگوژی و درونی کردن بردار معنایی و الزامات کاربردی آن، بستگی دارد.

من به عنوان یک پژوهشگر مستقل از حضور در این جلسه استقبال می کنم و انتخاب موضوع آن را تبریک می گویم: "جهان متحول، دانشگاه ایرانی، و آینده یاددهی - یادگیری". "جهان متحول" مستلزم نگاه جامع نگر (holistic) در سیاست گذاری های راهبردی است. "دانشگاه ایرانی" ملزم به روشن نگاه داشتن مشعل علم و فناوری در خدمت توسعه پایدار است و "آینده یاددهی - یادگیری" که در عصر دانش بنیان به کلاس درس ختم نمی شود، بلکه در بر گیرنده کل جامعه است (holistic-heuristic). به عبارت دیگر پیش نیاز، پیام پر گهر "ز گهواره تا گور دانش به جوی" دیروز، و "جامعه یادگیری" امروز، گسترش افق دید و دریافت عمق معنای علم و هنر یاددهی - یادگیری، در نظر و عمل، است.



در پاسخ به سوال اول می توانم بگویم آنچه که تصویر کلاس آینده است به پداگوژی که خانم دکتر کدیور به نام روانشناسی یادگیری یاد می کنند بر می گردد، ولی پداگوژی دقیقاً از روانشناسی علمی از زمان رفتارگراها مدد گرفته است، ولی برای خودش یک هویت دارد و این واژه امروز در کلاس درس فردا و امروز وارد شده است و پداگوژی دست در دست فناوری توانمندی برای فضاهای آموزشی یادگیری مداوم است؛ یعنی ما در کسوت یادگیرنده مداوم خودیادگیرنده، با توجه به امکاناتی که دارد در اختیار قرار می گیرد، می توانیم در صحنه حضور داشته باشیم والا غایب هستیم. پس کلاس درس آینده چگونه در انتقال دانش به ساختن دانش باید حرکت کند؟ چون امروزه در فضاهای آموزشی ما انتقال دانش دارد انجام می گیرد، حتی با وجود اینکه فناوری اطلاعات آمده است، یادگیری الکترونیکی دوباره همین کتاب را بحث می کند. اصلاً مفهومش این نیست که پداگوژی بعلاوه یادگیری دارد برای محیط یادگیری توانمندی می آورد. بنابراین باید این ظرفیت یادگیری را بالا ببریم ، چگونه؟ این چگونه اش در کلاس درس دانشگاه ها، ولی قبل از دانشگاه ها در پیش دبستانی ها باید شروع شود. به طور کلی انتقال دانش به ساختن دانش در کلاس آینده مورد نظر است.

#### مریم حسینی لرگانی: عضو هیات علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی

موضوع تز من بحث یادگیریهای زاید است ، یعنی هر آنچه که در فرایند یاد دهی و یادگیری آموزش داده می شود اما در محیط کار به کار گرفته نمی شود . یونسکو از یادگیری تعریفهای متفاوتی ارائه داده ، یکی از این تعاریف ، یادگیری برای یادگیری، یادگیری برای انجام کار، یادگیری برای اینکه شهروند خوبی باشیم است ، یادگیری برای اینکه بتوانیم در محل کارمان آن را به کار بگیریم، همین موضوعی که آقای دکتر فرستخواه مطرح کردند این است، بالاخره ما می بینیم که در دانشگاه چه در بخش آموزش عالی دولتی و چه غیر دولتی ، فرصت زیادی برای این دانش و انتقال آموزش صرف می شود ولی انتقال یادگیری آیا به قول استاد عزیزم خانم دکتر مشایخ به ساختن یادگیری تبدیل می شود؟ و با توجه به اینکه کتاب خانم دکتر را مطالعه کردم، فکر میکنم یک کپرنیک دیگری در راه است ، کپرنیکی که روسو در تعلیم و تربیت از آن در قرن هیجده نام برده است در حال حاضر با رشد تکنولوژی و موج سوم و چهارمی که در راه است؛ با توجه به بحث نیمه عمر دانش که دیگر از ۵ سال هم دارد کمتر می شود پس ما با یک کپرنیک دیگری در تعلیم و تربیت روبه رو هستیم . در اینجا جا دارد که عرض کنم که آینده دانشگاه چه میشود ؟ دانشجو و استاد در این برهه از زمان چه باید بکنند؟ البته من به نوعی با فرمایش خانم دکتر کدیور موافق هستم که اگر در سطح کلان ببینیم، کلان در سطح ملی خودمان و در سطح خرد وارد خود دانشگاه و کلاس درس شویم و در سطح فراملی در سطح جهانی. اگر ما به سه سطح توجه داشته باشیم به



نظرم برنامه درسی باید یک پالایش خیلی زیادی در خودش ایجاد کند و به نظر می رسد که آموزش سنتی به طور صرف و آموزش الکترونیکی به صورت صرف نمی تواند موفق باشد و هر کدام مزایا و معایب خودشان را بروز داده اند و فکر می کنم که آموزش ترکیبی Blended Learning می تواند راهکار خوبی باشد و مسئله دیگر اینکه multi culture را باید در آموزش عالی بسیار مورد توجه قرار داد، که من فکر میکنم ما باید به بحث چند فرهنگی هم در تعلیم و تربیتمان بپردازیم، چه با آن نگاه ملی و چه اگر بخواهیم نگاه جهانی داشته باشیم، دانش و اطلاعات زیادی تولید شده است برای اینکه دانش ما به گونه ای با فرهنگ های مختلف و با جامعه مان که در نهایت با بازار کار به صورت جهانی عجین شود، دانشگاه های ما به جامعه دانشگاهی در آینده تبدیل خواهد شد. دیگر ما صرفا دانشگاهی نخواهیم داشت که تعدادی افراد بروند و دانشی را کسب کنند بلکه این جامعه است که باید تبدیل به جامعه دانشگاهی شود.



پاسخ اینجانب به پرسشهای پنل بدین قرار است:

(۱) دانشگاه آینده به لحاظ دانشجو و استاد دانشگاه های چند فرهنگی خواهند بود. از نظر برنامه درسی با رویکرد ترکیبی (blended learning) پیش می روند. در ارتباط کامل با جامعه هستند. در واقع دانشگاه ها با جامعه ترکیب می شوند. و به مثابه بخش عمده ای از توسعه اجتماعی هستند.

(۲) برنامه های درسی دانشگاهی همونوا با تحولات نظام های تئوریک متحول می شوند. برای مثال در دانشگاه کالگری رشته تکنولوژی آموزشی به تکنولوژی یادگیری تغییر جهت داده است و سرفصل ها و محتوا و حتی روش های ارائه آن عوض شده است.

(۳) کلاس های درسی ایران هیچ شباهتی به لحاظ تکنولوژیک با کلاس های درس جهانی ندارند. در دانشگاه های پیشرفته، تکنولوژی بخشی از کلاس درس است. در ایران هنوز بر سر مائیک وایبرد مسأله وجود دارد.

(۴) افت شدید انگیزه یادگیری، تقلب علمی، ارایه دانش از رده خارج، فقدان آزادی علمی، فرسودگی شغلی استادان، و ...

(۵) آموزش عالی ما در مرحله گذار است، به نظر من گذار از انتقال دانش و یادگیری با رویکرد تئوریک به مرحله ترکیبی از رویکرد تئوریک و کاربردی. از این رو قطعا با فرصت هایی نظیر تعامل بیشتر با بازار کار، اشتغال بیشتر و رونق اقتصادی و ...؛ تهدیدهایی نظیر افزایش فارغ التحصیلان بیکار، عدم کارایی دانش آموختگان بی انگیزگی نسبت به یادگیری و ...

(۶) ایجاد فرصت برای آزادی علمی، -ایجاد فرهنگ صحیح تربیت استاد برای دانشگاه، -بهره مندی از ظرفیت های علمی و پژوهشی جهانی، -دوری از سیاست زدگی و به حداقل رساندن نفوذ سیاست در دانشگاه، -بازنگری دروس و برنامه ها بر اساس تحولات علمی، -ایجاد هیئت های درستی و راستی آزمایشی ادعاهای علمی، -ایجاد فرصت های پژوهشی گروهی، -اجتماع محوری و پژوهشگرایی همزمان.



### دکتر مقصود فراستخواه

اکنون که ابعاد موضوع به صورت تخصصی قدری وضوح یافت، دوستانی که در حوزه آینده پژوهی خبره اند به ما کمک کنند با این زمینه ای که عزیزان فراهم آوردند چگونه می‌توانیم به آینده روی ( approach ) بکنیم.

### اردشیر سیاح: دوره دکتری آینده پژوهی (مرحله تحقیق تز)

من بسیار خلاصه و صریح بگویم که سوال بسیار خوبی است به شرط اینکه یک بازه زمانی مثلا ۵ یا ۵۰ سال در نظر گرفته شود. اگر در مورد ۵ سال آینده صحبت کنیم، ممکن است وضعیت با الان خیلی فرقی نداشته باشد. بنابراین راهکار ارائه می‌دهیم و به سمت ترسیم فضای مطلوبی می‌رویم که شاید تا الان به آن دست پیدا نکرده ایم. ولی وقتی صحبت از ۵۰ سال آینده می‌کنیم، آن موقع باید به این موضوع به شکل دیگری نگاه کنیم. مثلا اینکه شاید روند امروز آموزش با چند تا از نشانه‌ها چیزهایی را به ما نشان بدهد که معلوم شود ما به سمت پس رفت در آموزش در حال حرکت هستیم. بنابراین می‌توان در ۲۰ سال آینده انتظار داشت که این پس رفت ادامه پیدا کند. دانشجویهای ما ۲۰ سال قبل با مطالعه ۱۰ کتاب لیسانس می‌گرفتند، ۱۰ سال قبل با مطالعه ۴ کتاب و ۳ تا ۴ تا جزوه کارشناسی ارشد می‌گرفتند و الان با ۳ یا ۴ پاورپوینت دکترا می‌گیرند. بنابراین اگر بخواهیم روند فعلی را نگاه بکنیم باید ببینیم این روند فعلی، ما را به کجا می‌برد؟ و ما باید چه واکنشی نشان بدهیم؟ آیا اساسا طرح موضوع کلاس آینده در ۵۰ سال یا ۱۰۰ سال دیگر موضوعی است که قابل طرح و بررسی باشد یا دیگر کلاسی در کار نیست؟

موضوع دیگر که دقیقا همین صحبت را دارد در سال ۱۹۰۰ مسابقه‌ای در کشور فرانسه برگزار شد تا مردم حدس بزنند ۱۰۰ سال آینده (یعنی در سال ۲۰۰۰) در حوزه‌های مختلف چه تصویری دارند؟ یکی از آن تصاویر، تصویری بود که از کلاس آموزشی آینده ترسیم شده بود و نشان داده بود معلمی کنار کلاس ایستاده و یک دانشجویی دارد به او کمک می‌کند که کتابها را در یک وسیله ای شبیه چرخ گوشت بریزند و از بالا سیمی به گوش دانشجویان وصل است و دانشجویان نشسته اند بدون اینکه هیچ کتابی جلویشان باشد. در واقع نشان می‌داد همینطور که تکنولوژی جلو می‌رود، ۱۰۰ سال آینده دیگر کتابی در کار نیست. اما ما الان در همان یکصد سال بعد از آن تصویر هستیم و کماکان همان درس و همان داستان ادامه دارد. لذا بخشی از کلاس آینده ممکن است به شکل و شمایل خودش باقی بماند اما وقتی هدف و نیازهای ما تغییر می‌کند، وارد یک فضای دیگری می‌شویم. وقتی یک عده ادعا می‌کنند که در آینده ممکن است ۵۰ یا ۶۰۰ شغل جدید که تا کنون وجود نداشته است ایجاد شود ممکن است که دانشگاه‌های ما مجبور شوند هدف خود را به صورت کلی عوض کنند و ورود تکنولوژی‌های جدید باعث می‌شود که ما حتی به آن ترکیب نشستن سر کلاس هم در آینده شک کنیم.

**علیرضا اسدی: دوره دکتری آینده پژوهی (مرحله تحقیق تز)**

اگر بخواهیم فرمایشات اساتید بزرگوار را به یک تصویر تبدیل بکنیم و مستقیم به سوال پاسخگو باشیم، خانم دکتر کدیور و خانم دکتر مشایخ به موضوعاتی پرداختند که کلاس درس آینده را شاید بشود اینگونه تصویر سازی کرد، اولاً وقتی آموزش مداوم می‌گوییم، قطعاً کلاسی خواهیم داشت که ترکیب سنی افراد بسیار متفاوت و پراکنده است و فضای آموزش عالی ما از بستر اینکه جوانها در آن شرکت میکردند با توجه به نیازهای اجتماعی و تغییرات جمعیتی که وجود دارد مطمئناً به بدنه کلاس رسوخ پیدا می‌کند و ترکیب کلاس را ابعاد مختلف جمعیتی با سن های مختلف تشکیل خواهد داد.

احتمالاً وقتی در آن فضا بحث رقابت و جهانی شدن را مطرح میکنیم آن استاد می‌تواند دیگر استاد ما نباشد بلکه استاد مدعوی است که از یک دانشگاه دیگری می‌آید و رسالتش برای یک موضوع مشخص و ماموریت مشخصی است که دنبال می‌کند، دیگر آن درس برای یک رشته خاص نیست و افرادی که در آن کلاس حضور پیدا می‌کنند از رشته های متعددی هستند که حسب نیاز برای کریکولوم شان آن درس تعریف شده است و به عبارتی این کریکولوم بر حسب نیاز و تقاضایشان تعیین شده است. در بحث چالش بودجه، مطمئناً در آن کلاس برخی از افراد پول دادند و برخی هم انتخاب شدند و در این کلاس قرار گرفتند و برای جبران منابع مجبورند که بعضی از فیلهای آن کلاس را حالا به عنوان ظرفیتهای مازاد در اختیار قرار بدهند اینها به لحاظ تکنولوژی من نمیخواهم وارد این تصویر سازی شوم ولی مطمئناً تغییرات تکنولوژی و بروز تکنولوژی های نوپدید و نوظهور، همانطور که اشاره کردند، شیوه های تدریس، شیوه های ارزیابی و حتی برنامه ریزی را ممکن است تغییر دهد، الان تکنولوژی موبایل ما در مسائل روزمره ما شکل گرفته، مطمئناً MOBILE LEARNING یکی از تکنولوژی ها خواهد بود که در فضای آموزشی ما مستقیماً وارد خواهد شد و تاثیر زیادی در تغییر روش ها ایجاد می‌کند. به نوعی من خواستم با فرمایشات دوستان این تصویر را در پاسخ به سوال اول به عنوان یک فردی که حالا این تغییرات را رصد می‌کند شکل بدهم.

**علیرضا همتی: دوره دکتری آینده پژوهی (مرحله تحقیق تز)**

اگر بخواهیم مستقیماً به سوالات جلسه پاسخگو باشیم، می‌توانیم فرمایشات اساتید بزرگوار، سرکار خانم دکتر کدیور و خانم دکتر مشایخ، را اینگونه در آینده تصویرسازی نماییم:

وقتی خبرگان فن معتقدند که آموزش در آینده آموزشی مداوم برای همه لحظات عمر انسان خواهد بود، کلاس درس آینده را شاید بشود اینگونه تصویر سازی کرد که ترکیب سنی افراد حاضر در کلاس بسیار متفاوت و پراکنده می‌گردد و با توجه به ضرورت پاسخگویی به نیازهای اجتماعی آموزش عالی مداوم و تغییرات جمعیتی که وجود دارد، فضای آموزش عالی ما از اینکه فقط جوانتر ها در آن حضور می‌یافتند مطمئناً تغییر کرده و ترکیب کلاس شامل افراد با طبقات سنی مختلف از هرم جمعیتی خواهد بود.

همچنین احتمالاً وقتی در آن فضا بحث رقابت و جهانی شدن در آینده را مطرح می‌کنیم، استاد در نظام آموزش عالی ایران می‌تواند استاد با ملیت ایرانی نباشد بلکه استاد مدعوی است که از یک دانشگاه از کشوری دیگر در جمع دانشجویان حاضر خواهد بود.

از سوی دیگر با توجه به تغییرات رشته مقطع های آموزشی، تشکیل یک کلاس درس در آینده می‌تواند معطوف به یک رشته خاص نباشد و انتظار می‌رود در نظام آموزش عالی آینده، افرادی که در یک کلاس حضور پیدا می‌کنند از رشته های متفاوتی باشند.

از سوی دیگر پیش بینی میگردد که در آموزش عالی آینده که برنامه های درسی بر اساس تقاضاهای اجتماعی تعریف میگردد کریکولوم های درسی ثابت نباشد و حسب نیاز، کریکولوم درس تعریف شود. به عبارتی این کریکولوم بر حسب نیاز و تقاضایشان تعریف می‌گردد و از حالت ثابت خارج خواهند شد و اصطلاحاً برای متقاضیان دوخته خواهند شد..

همچنین با توجه به کمبود منابع دولتی در حوزه آموزش عالی و مشکلات و چالش های موجود در بودجه های سالانه، تجاری سازی آموزش عالی قوت می‌یابد و شکل گیری دانشگاه های خود گردان و شهریه پرداز باعث خواهد شد که در کلاس درس آینده نظام آموزش عالی، برخی از افراد





شهریه بدهند و برخی دیگر هم تحت پوشش آموزش رایگان در حال تحصیل باشند. یعنی دانشگاه ها در آینده برای جبران منابع مجبورند که بعضی از صندلی های کلاس را به عنوان ظرفیت های مازاد در اختیار افراد متقاضی آموزش به ازای پرداخت شهریه قرار دهند.

موج شدید جهانی سازی آموزش عالی باعث می شود که این تصویر از کلاس درس در آینده با طیف متنوعی از قومیت ها و ملیت ها در اذهان شکل گیرد و به تبع آن تغییرات محسوسی در فرایندهای آموزش عالی در کشور قابل پیش بینی خواهد بود و بارزترین تصویر تغییرات، شکل گیری دانشگاه چند زبانه تدریس به زبان علم در دانشگاه ها است.

از طرف دیگر تغییرات تکنولوژیک و فناورانه نیز پیشران بسیار پر اهمیتی برای دانشگاه و کلاس درس آینده خواهد بود و می توان از این نظر هم دانشگاه آینده را تصویر سازی کرد. مطمئناً تغییرات تکنولوژی و پیدایش تکنولوژی های نوپدید و نوظهور، همانطور که برخی از اساتید اشاره کردند، شیوه های تدریس، شیوه های ارزیابی و حتی برنامه ریزی درسی را دچار تغییر و تحول قرار خواهد داد. الان تکنولوژی بر پایه و بستر تلفن و ابزار همراه در فعالیت های روزمره ما شکل گرفته است. مطمئناً MOBILE LEARNING یکی از موضوعاتی خواهد بود که در آینده فضای آموزشی ما مستقیماً وارد می گردد و تاثیر زیادی در تغییر روش های آموزش عالی ایجاد می کند.

تصویر دانشگاه و کلاس درس آینده با روندهای قطعی و عدم قطعیت های بسیاری روبرو است و این موضوع بر توجه به آینده پژوهی و آینده نگاری در سیاست ها و برنامه های نظام آموزش عالی تاکید دارد و مواجهه فعال این حوزه را با تغییرات آینده ضروری و اجتناب ناپذیری می داند.

#### اسماعیل رحیمی: پژوهشگر دانش آینده پژوهی، مؤسس انجمنی با عنوان «جامعه جهانی آینده های روشن»

پیش از آغاز گفتاری درباره محورهای این نشست باید ایده ای را در باب این نشست عرض کنم، وقتی بنا باشد در مورد یک موضوع راهبردی مانند آینده یادگیری هم اندیشی کنیم، در آن صورت گمان می کنم باید بیشتر از یک پنل دو ساعته باید به آن بپردازیم چرا که موضوع، شایسته جدیت و کنکاش بیشتر و عمیق تری می باشد. در واقع دست یابی به خروجی های مورد انتظار نیازمند دقت، فراگیری بودن گستره دیدگاه و روش بررسی حرفه ای تری است. با این حال کوششی که آغاز شده، از آنجایی که نوآورانه و پیشگام محسوب می شود، شایسته تحسین و تبریک است.

خوب در پاسخ به این پرسش وزین که چه تصویری از کلاس های آینده دارم، باید موضوعاتی را جستارگشایی شود که بتوان بر اساس رویکردی که ناشی از تحلیل روند کنونی آموزش در کشور و همچنین فهم عملکرد بازیگران کلیدی و سیاستهای کلیدی به پاسخی نسبی اما روشنگر دست یابیم. در بررسی ساختار آموزشی کشور در مقاطع پایه تا تحصیلات تکمیلی باید بدانیم چه پارادایمی بر هستی شناسی و معرفت شناسی دانشی کشور ما حاکم است؟ اصولاً فرایند و محتوی آموزش در کشور ما اقتدارگرا است یا جامعه محور و نیاز محور؟ ما در چه فضایی از پارادایم های آموزشی به سر می بریم؟ رویه های نهادی و ارزشی ما چه تناسبی با نیازهای سیال، شتابان و متحول دهه های آغازین هزاره سوم دارد؟ آیا رویه های کنونی منجر به طراحی کلان تصویری از آینده ای مثبت، شفاف و مشارکتی در امر آموزش می شود؟

البته در این فرصت کوتاه، تنها مجال پرداختن مفهوم آشوبناکی پدیده ها نکاتی را عرض می کنم، در سالهای آغازین دوره ای که هزاره پیچدگی و آشوب نام گرفته است (Millennium of Complexity & Chaos) و پهنه وسیع تری از دانش در پیش روی ما قرار گرفته. در این شرایط برنامه ها و نگرش های یکپارچه می تواند قدری برنامه ها و محتوی برنامه های درسی را بهینه کند. اما رویکردهای آموزشی و پژوهشی کنونی در کشور چندان پاسخگوی پرسش های اساسی برای سامان یادگیری و آموزش عالی نبوده است. رویه های کنونی از هم گسیخته، کم عمق، فرسوده و ایستا است. در حالی که در عرصه جهانی از ابتدای دهه ۹۰ که ساختار دو قطبی جهانی فرو پاشید و عصر اطلاعات آغاز شد؛ دانشگاه ها و پژوهشگران کشورهای مختلف فرصت پیدا کردند در فضای در دسترس بودن و آزادی تبادل اطلاعاتی نوینی در امر یادگیری ایجاد کنند.

البته پیشرفت های امروز آموزش و یادگیری در جهان همواره تحت تأثیر اندیشه و رزانی همچون: جان دیویی John Dewey، ویلیام هرذکیلپتریک William Heard Kilpatrick، ورث والس چارترز W.W. Charters، فیلیپ وسلی جکسون Philip Wesley Jackson، کیرن ایگن Kieran Egan، مادلین گرومت Madlin Grumet، بنیامین بلوم Benjamin Bloom و دیگر صاحب نظران این امر قرار داشته است. اخیراً یک پروژه بزرگ جهانی با عنوان یادگیری برای هزاره نونین با ویراستاری کارلوس هرناندز و راشی مایر - Carlos Hernandez





Rashmi Mayur انجام شده است که جمع بندی مناسبی از ایده های آینده نگر در یادگیر است. البته کوشش های سازمان های جهانی مانند یونسکو هم توانسته است آینده پژوهان و آینده نگرانی را در پارادایم های آموزش و یادگیری گرد هم آورد و منجر به تغییر شود.

قرن ۲۱ که ساختارها و بازیگران زیادی با هم پیوند هم خورده اند و از دسترس و انحصار مستقیم دولت ها خارج شده بنابراین دیدگاه خطی و اقتدارگرایی حکومت ها و ایدئولوژی ها نمی تواند راهگشای مسائل نوپدید باشد. در داخل کشور هم ایدئولوژی و اقتدارگرایی برخاسته از پایگاه اندیشه ای چپ و راست نمی تواند ادراک سازی کند. در صورت تداوم رویکردهای مسلط کنونی بر آموزش هر گونه تصویر پردازی برای آینده آموزش توسط پژوهشگران تنها جنبه دانشگاهی خواهد داشت. به بیان دیگر سناروهای تک بعدی در جهان هر روز دگرگون شونده امروز کارایی ندارد. از سویی، ملاحظه می شود با تداوم چنین روندی درصد کمی از دانشجویان، پژوهشگران و دانشمندان علوم اجتماعی در مرکز ثقل جامعه شناختی کشور قرار می گیرند و امکان ایفای نقش اثر گذاری به دست می آورند.

با دیدگاه ساده که مخصوص محیط ها و شرایط معمولی است نمی توانیم بفهمیم که هویت های نوظهور برخاسته طبقه متوسط جهان برای تکامل و گسترش آگاهی حتی آنی منتظر فناوری های نو پدید می مانند فیس بوک و فناوری های مبتنی بر اندرویدی هم نیست! چرا که محیط و شرایط امروزی جهان و کشورها معمولی نیست! بلکه شتابان و پر از متغیرهای گوناگون است. رشد هویت های نوپدید از میهمانی های خانگی و اجتماعات محلی شهروندان و سبک زندگی امروزی شکل می گیرند. در پستوهای دانشگاهی، دیپلماتیک و اتاق فکر های صدور هویت از بالا! سامان آموزش ما ایرانیان بهتر است بیاموزد که به قول مانوئل کاستلز فضای جریان ها بر فضای مکان غلبه کرده و هرگونه سیاستگذاری و برنامه بلند مدتی معطوف به ساختن واقعیت با نگرش گسترده، پویا و پاسخ های چند گانه به مسائل شکل گیرد. در این صورت امکان رویارویی مناسب با عدم قطعیت ها فزونی می یابد. یعنی ترمیم ضعف هستی شناسی و شناخت شناسی در فرایند تولید دانش و ساختار سازی، و دگرگونی نگرش خطی به نگرش غیر خطی.

باروی باورند به فهم پیچیدگی و آشوبناکی شتابان رویدادها و تحولات امروز، امکان ترسیم چشم اندازها و آینده خهای روشن تر مهیا می شود. به این معنا که در سیاستگذاری ها (Policy Makings)، و تحلیل روندها و کلان روند ها (Trends & Megatrends) برای سناریو پردازی تحولات آموزش ضمن شناخت نیروهای پیشران ملی بهتر است با رویکردهای یکپارچه و کل گرا مسائل را کنکاش کنیم.

روش نیرومندی در آینده پژوهی برای برنامه های میان مدت و بلند مدت اجرا می شود. مانند آینده نگاری راهبردی، ترسیم چشم انداز، پیشنگری، تحلیل روند، آینده نگاری مشارکتی، دلفی، چنل خبرگان، ذهن انگیزی، پویا محیطی، تحلیل لایه ای علی و دیگر روش های مادر در این دانش. استفاده از دانش آینده پژوهی امکان رویارویی بهینه با عدم قطعیت ها و شگفتی سازهای روند شکن (Wild cards) را در اختیار دستگاه ها و بازیگران ذینفع قرار می دهد. در بحث آموزش توجه به تغییرات ملی و جهانی و همچنین توجه به هویت های نوظهور بنابراین متمرکز شدن به آواهای در حال برخاستن نسل ای امروزی بسیار حیاتی است. در وضعیت امروز جهان که دگرگونی پارادایم ها زودتر اتفاق می افتند ما موظفیم به کلان داده و کلان دانش ها (Big Data Big Science) توجه کنیم.

این مباحث از آنجا اهمیت دارد که با ترمیم و گسترش دیدگاه بازیگران کلیدی، بهبود مفروضات سیاستگذاران آنها را در فضایی کارآمد تر برای مدیریت بحران و تغییر قرار می دهد. این یک نکته اساسی است. چرا که مفهوم آینده نگری در پهنه وسیع تری ملاحظه می شود. و دیدگاه کلان به یاری ما خواهد آمد. این نکته پیش از این مورد توجه بنیانگذاران آینده پژوهی قرار گرفته بود که باعث شد در زمان تأسیس انجمن آینده جهان 1966 به جای عبارت (Future آینده)، عبارت: (مطالعات آینده ها Futures Studies) برای تعریف این دانش استفاده شد. این به خاطر در نظر داشتن امکان تصور آینده های بسیار، مورد توجه قرار گرفت. ارتباط این نکته با آینده نگری در آموزش عالی به این دلیل است که برای ترسیم آینده، دیدگاه یک سبک اندیشه یا معدودی کارگزار و معدودی ارش کافی نیست! بلکه می بایستی از کارشناسان مختلف، کارگزاران مختلف و زمینه نای دانشی مختلف به دیدگاه واحد در ترسیم آینده ی امر آموزش کشور یاری جست.

اما در پرسش بنیادی و چالش برانگیز: "تصور من از کلاس های آینده چیست؟" باید عرض کنم منظور من از آینده، آینده هیشاز ۵۰ سال نیست. بلکه آینده ای بین ۲۰ سال تا ۳۵ سال بعد است. تصور من این است که کلاس های آینده دانشگاه ها و مقاطع قبل از دانشگاه، شکل گرفته در



فضایی شبکه ای تر از جامه ای باشد که مانوئل در کتاب عمر اطلاعات گفته ترسیم کرده. فضایی از یکپارچه‌گیا اجتماعی جهانی. البته منظور من گسترش نظریات کن ویلبر Ken Wilber، ریچارد اسلاتر Richard Slaughter و وندل بل Wendell Bell نیست. صاحب نظران یاد شده در اندیشه هماهنگ کردن فرهنگ ها و چشم انداز های ملل جهان هستند. آن هم به صورتی که از دیدگاه فرهنگ آنگلو ساکسون در پی این هماهنگ سازی هستند. من ایده متفاوتی است که در حال پرورش و بسط آن هستم، همزیستی و یادگیری در " فضای یکپارچگی و یکتایی است." "Integral - Singular Learning". در سامان " یادگیری در فضای یکپارچگی یکتایی، " امکان ایفای نقش و اثرگذاری فردیت ها و هویت های یکتای قومی، ملی و بین المللی در گستره یکپارچه جهانی مقدور است. فناوری های عصبی، علم ژنتیک و هوش مصنوعی به صورتی لحظه ای پیشرفت فناوری های نوپدید و دانش را میسر می سازند. کلاس های آموزشی به شکلی سیال و شبکه ای برگزار می شود.

در این نظرگاه، کلاس های آموزشی به گونه ای است که فراگیران دارای هویتی در حال تکامل و در بستر یکپارچه جهانی هستند. کلاس های آموزشی به گونه ای برگزار می شود که کلاس صبح به صورت مجازی در یک کشور و کلاس عصر در کشوری دیگر توسط استادی که در کشوری دیگر است اداره می شدند. مجموعه فرهنگ ها و خرده فرهنگ ها با هم زیست می کنند با هم می آموزند. به این ترتیب یادگیری وهم ارزشهای جهانیه صورتی پویا با هم در تعامل مستمر قرار دارند. گروه های همسال دیگر فقط در کوچه محل نیست بلکه در سرتاسر جهان گروه های هم سال و دانشجویان به شکلیهماهنگ در حال یادگیری هستند. رساله های کارشناسی ارشد و دکتری دارای اساتید راهنما به صورت همزمان از کشورهای مختلف هستند و سطح تحصیل کارشناسی ارشد و دکتری به سنین نوجوانی تنزل پیدا کرده است. کتابخانه های شهر ها و دانشگاه ها در اختیار همه دانش آموزان و دانشجویان است. اجرای پروژه های تحقیقاتی در کشورها به صورت هماهنگ و توسط گروه های همکار کشورهای مختلف در یک زمان مجازی و مکان های مجازی انجام می شود.

ماحصل این بحث بنده این است که با استفاده از نظریه های آشوب، پیچیدگی، آینده پژوهی، علوم شناختی، هولوگرافی، هولوترایی و دیگر فرارشته ها تصویری جامع تر از آینده یادگیری ترسیم شود. این ما را یاری می کند با دنیای عدم قطعیت ها با آمادگی مناسب پیوند یابیم. پیشنهاد می کنم این نشست پنل های کارشناسی به صورتی منظم تر و در فواصل کوتاه تر با دعوت از کارشناسان رشته های علمی گوناگون برگزار شود. و نتیجه این نشست ها به فرآیند های عملی منتقل شود.

تعریف تفکر خطی در واقع به نوعی توجه به ظاهر پدیده ها و به نگاهی تک بعدی است. در این تفکر رویدادهای دلایلی حداقل با حداقل پیچیدگی دارند. و قابل کنترل هستند. اگر فرایند آموزش تحت تأثیر اولیگارش های قدرت باشد درباره آینده به پاسخ های کوتاه و کم اثر توجه می شود. مانند انجام پژوهش های اجتماعی تحت پارادایم های پوزیتیویستی و با روش های تحلیلی خطی از جمله رگرسیون خطی؛ منحنی توزیع نرمال؛ انحراف معیار؛ واریانس و نظام تابع گاوسی. اندیشه ای که یکپارچه نگر، آینده نگر مشارکتی و کل نگر نیست در شناسایی رویداد ها و عدم قطعیت ها موفق نیست.

پیشنهاد های نهایی:

- توجه به کلان روند هایی که روند سیاستگذاری آموزشی و یادگیری را تحت تأثیر قرار می دهند. سیاستگذاری بر اساس تحلیل کلان روند ها ی جهانی و روندهای ملی. مانند کلان روند یادگیری الکترونیکی، کلان روند آگاهی بین المللی، کلان روند جمعیت، رشد زنان و جوانان و ...
- در نظر داشتن نیروهای پیشروان ملی وجهانی مانند تغییرات نسلی، نیروی انسانی و فناوری
- طراحی ساختاری برای یکپارچه کردن سامان دانشگاه ها تحت یک نظم و پارادایم واحد.
- نهادینه سازی آموزش به نوعی که متوجه پویایی باشد.
- راه اندازی یک رصد خانه یادگیری که سامان داخل و تحولات یادگیری و دانشگاه ها را در سراسر جهان رصد می کند و امکان تحلیل روند و کلان روندها را برای سیاستگذاری و ایجاد پیوست داخل و بافتار بین المللی فراهم می کند. و در خاتمه باید بگویم « آموزش پرکردن یک سطل نیست، بلکه برافروختن یک آتش است!» دلیو. ب. بیتتر

## دکتر فریده مشایخ

مسئله سهل ممتنع است، من کوشش کردم که در ارتباط با کل عنوان جلسه، جهان متحول، دانشگاه ایرانی، آینده یاددهی و یادگیری، یعنی در یک حرکت هلسلتیک از کل به خرد، دوباره جزء و بازگشتن ۳۰ اسلاید درست کردم که شاید بتوانم موجز مطلب را بگویم، خانم دکتر کدیور یادگیری جزء درونی شان است و به آن اشاره می کنند اما این یادگیری که آقایان می گویند در صد سال آینده تصویرش تغییر می کند، دقیقا الان صحبتش این است که یک مدرس با ۱۵۰ هزار یادگیرنده در این کانال شبکه ای در ارتباط است، پس یعنی چه دارد اتفاق می افتد، پس اگر من یکی از یادگیرنده ها هستم باید چه توانایی هایی داشته باشم که بتوانم در این فضای فکری که صیقل خورده، آماده شده، مثل یک ورزشکاری که ماهیچه اش را توانمند کرده است، ضمن اینکه توانایی ذهن پردازش پیدا کرده اند ذهنی که فقط دریافت کننده بود.

شما در این اسلاید درختی را می بینید که ریشه در خاک دارد، بنابراین هر انسانی در چارچوب فرهنگی که ریشه در خاک دارد و خوشا به حال ما ملت ایران که در چارچوب فرهنگمان ریشه هایی را دوانده ایم که باعث افتخار است ولی اگر در نظام آموزشی مان از ریشه هایمان مدد نگیریم ممکن است شاخه بدهیم اما آن شاخه ها، از استواری و شکوفایی لازم برخوردار نخواهد بود. این بازی است که در مقیاس جهانی، جهان متحول هم متوجه آن شده است. فرهنگ، معرفت، در چارچوب فضای توسعه پایدار دست در دست هم، جلو می رویم، برای هزاره اهدافی تعریف شده است، این اهداف هزاره برای تک تک کشورهاست که از مبارزه با فقر و گرسنگی و بی سوادگی شروع می شود تا رفتن در پایداری محیط و مشارکت در تصمیم گیری. بنابراین این چارچوب، چارچوبی است که اگر ما آینده پژوهیم و در چارچوب تفکر خطی که ایشان گفتند نه، در آینده پژوهی گرفتار تفکر خطی نیستیم پس می توانیم ببینیم که جهان دارد چگونه می اندیشد، ما هم خودمان را با توجه به ریشه هایمان در این به حرکت در آوریم و توانمندی را جستجو کنیم و آموزش توسعه پایدار برای همه چیز چه می خواهد؟

این را در ارتباط با آن توسعه پایدار که در چارچوب جمهوری اسلامی می آیم، خوشبختانه مفهوم توسعه پایدار دارد بیرون می آید، محیط زیست لازمه اش برای من شهروند چیست؟ با بصیرت به آینده باید نگاه کنم، توسعه پایدار دغدغه اش چیست؟ هوا، آب، انرژی و... الان من هوا ندارم که نفس بکشم. من الان خودم آدمی هستم که باید شخصا در روز یک ساعت راه بروم، کجا باید راه بروم که بتوانم تنفس کنم. بنابراین بصیرت را برای آینده نگاری باید به کار ببریم، تفکر انتقادی ضرورت یادگیری است، سیستماتیک بودن در واقع به صورت نظام مند و جامع نگر و تقویت همیاری و همکاری، یادگیری در تنهایی اتفاق نمی افتد و اگر می خواهیم خطی هم نباشیم بنابراین باید توانمند باشیم و ببینیم چه دارد می گذرد و انتخاب اصلح مان را بکنیم و مشارکت در تصمیم گیری اینها هدفی است که در سیستم آموزشی پیش از دبستان و آموزش دایم و مداوم می تواند متبلور شود و این در واقع پیش درآمد من بود.

حالا روی رئوس مطالبی که روی پداگوژی متمرکز می شود صحبت می کنیم، در گذر زمان پداگوژی های نو آور بر حسب مکاتب روانشناس ها، راهبرد یادگیری در قرن ۲۱، نظر به خود یادگیری در محیط های تعامل انسان و ماشین و سواد اطلاعات رسانه ای، پیامدهای آن یعنی اینها ابزار است، ابزاری است که به عنوان کسی که در چارچوب آینده پژوهی برای انسان و برای جامعه دغدغه دارد لازم است که بداند و بعد اگر توانست از آن یک تفکر خطی برای جامعه خود درست کند، ولی لازم است که از این بهره مند شویم. پداگوژی از یونان باستان که لگی بود به هنر یاددهی و یادگیری متحول شد این تحولات ناشی از مبارزات، مطالعات در گذر زمان برای عبور از معلم محوری، اقتدار گرا، مبتنی به انتقال دانش به یادگیرنده محوری، با همیاری مدرس از طریق تعامل، تجربه و تامل بر تجربه. یعنی این سه تا تعامل در ارتباط با محیطمان با دیگری در تعامل، تجربه می کنیم و به تجربه هایمان می اندیشیم، این است که می تواند یادگیرنده را توانمند کند. بنابراین این تعریف که در این چارچوب در سطح جسمانی گذر دارد اتفاق می افتد و در بسیاری از کشورها این یاددهنده برای تحولش محور در صحنه است، ما این مفهوم پداگوژی را باید درونی کرده باشیم.

این پداگوژی در عصر دیجیتال و عصر فناوری در محیط های یادگیری در واقع حرف تعیین کننده ای برای گفتن دارد؛ در قلب تعاملات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی قرار گرفته است. روش خوب یا بد تدریس وجود ندارد، بلکه موقعیت های پداگوژی در ... الان اینجا یک موقعیت پداگوژی است. واقعا ببینیم دغدغه هر کدام آن چگونه است و بعد وصل شویم. دغدغه هایمان اگر وصل شود یک موقعیت پداگوژی تبدیل شود، این موارد





آینده پژوهی شاید راهبرد را به حرکت در آورده‌یم، برای مقامات تصمیم گیر هم باید عرضه کنیم. بنابراین این موقعیت پداگوژی روانشاط هوشیار سال ۱۳۲۷ به این صورت تعریف می کند: مطلوب یعنی موقعیت پداگوژی یک موقعیت مطلوب است، پرورشگار یعنی مدرس، حالا از استاد، معلم، عمل پرورشی را به جایی می رساند که متربی بی نیاز از مربی می گردد. ما هنوز وقتی می گوئیم دانشگاه یعنی، یک معلم، یک کلاس، یک کتاب، در حالی که از ساختار عمودی به افقی دارد تبدیل می شود. امروز در نشست های تخصصی جهانی پداگوژی پیوند تنگاتنگ دارد، با فناوری ارتباطات به کار می رود، ولی درباره ضرورت دریافت بار شناختی واژه پداگوژی در نشست های ملی و مسئولیت پذیری نسبت به الزامات آن در سطوح سیاستگذاری و اجرایی اطمینان حاصل نیست این را آیا تایید می کنید؟

الان در این نشست ها گروه های ۴۰ نفری شرکت می کنند، بازتابی که اینجا می آید سند با ترجمه ناقص به فارسی بر می گردد، کمتر فهمیده شده به دست مدیران می رسد و مدیران بر مبنای آن سیاستگذاری و مدیریت محیط هایی که حالا ITC وارد آن می شود و فقط فکر می کنیم که پژوهش، دانش، ثروت. تلفن همراه که یک وسیله است، هیچوقت من را توانمند نمی کند، ولی آنچنان روی این سرمایه گذاری شده است که فکر می کنیم تلفن همراه با آن باند پرسرعت بنابراین توانمندی شهروند را تضمین کرده و آن شهروند کارآفرین است و تولید ثروت می کند و در منطقه اول خواهد بود که نخواهد بود، به این علت است که نمی دانم چطوری این اطلاعات دارد بر می گردد، در حالی که همان با چه دقتی دارد ضرورت صلاحیت ها را به عنوان توانمند شدن شهروند عصر دیجیتال که از آن صحبت می کند مفقود است و در فضاهایی که از دیجیتال دارد صحبت می شود آن بعد یادگیری و بعد توانمند شدن یادگیرنده مسئول، کاربر شهروند مسئول پاسخگو، خبری نیست چرا؟ چون یک جایی لقا است چون این زبان تخصصی مرجع دست جامعه سیاستگذار و تصمیم گیر ناقص می رسد و وقت ندارند خودشان شرکت کنند، کارشناسی که از این دانشگاه ها بیرون می آید هم به نظر من مسئول است، آنچه که می آورد ادای مطلب نمی شود، و ما خودمان نه تولید کننده و نه سازنده این مفاهیم نو هستیم. پس باید بتوانیم دقیقاً آن در دریافت کنیم بر مبنای ریشه ها و نیازها سازگاری را به وجود بیاوریم، تحول معنایی پداگوژی هم چگونه اتفاق افتاد؟ در ارتباط با سه مکتب روانشناسی عمده که رفتارگرا بود و تغییر رفتار را با شرطی کردن می دید، روانشناسی شناختی که در این زمینه خیلی حرف دارد، بهبودی بخشیدن به بازنمایی های ذهنی را یادگیری می داند، سازگاری هم که مشارکت فعال در ساختن دانش از طریق تعامل، تجربه، تعامل بر تجربه را خواستار است.

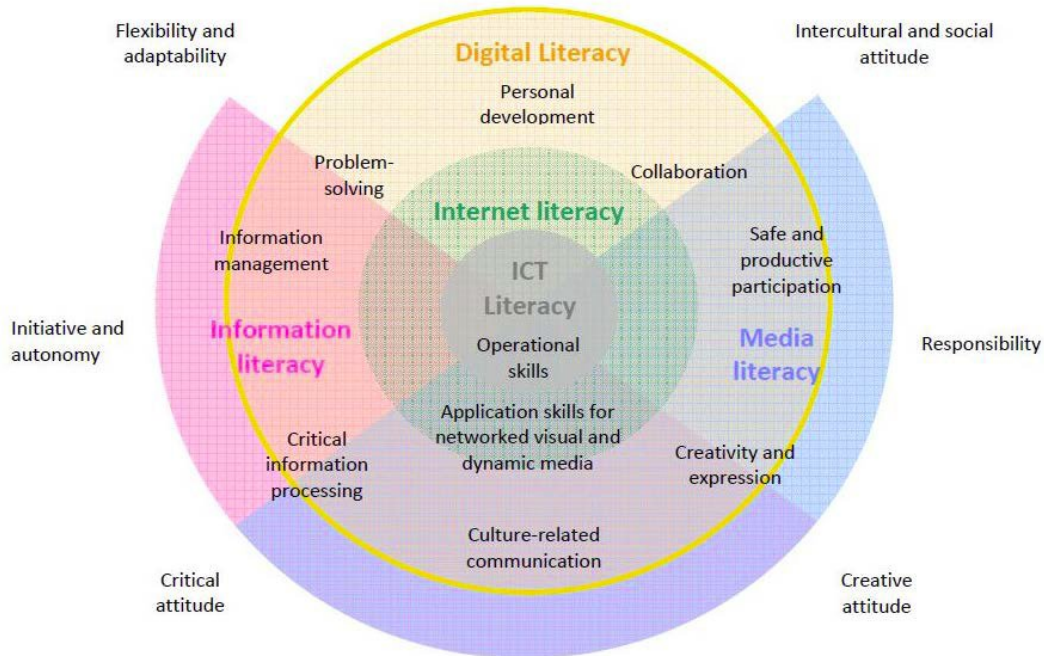
در همین کتاب پداگوژی اینها به تفسیر در ۴ فصل کتاب آمده است، رفتارگرایی در هر حال شرطی کردن را مدنظر دارد و تا به امروز هم در بسیاری از فضاهای یادگیری و یاددهی ادامه دارد، شناختی دغدغه اش از نوع دیگر است، بر خلاف پیش فرض رفتارگرایان، تجربی گرا که طبیعت انسان را منفعل و شکل پذیر می دانند، چون رفتارگراها شما را شرطی می کند، ولی روانشناسی شناختی بر فعالیت انسان به عنوان پردازش کننده اطلاعات و ساختن دانش متمرکز است. چامسکی و اسکینر در دهه ۵۰ از دو دیدگاه به مناظره می نشینند، یکی ذات گرا است که ما خوشبختانه در چارچوب سرزمین خودمان به علت بها دادن و پاس داشتن ریشه ها همچنان در جستجوی این ذات هستیم و می کوشیم که پاس داریم و نگه اش داریم و در مقابل تجربه گراها، یعنی آنجا معرفت است در حالی که تجربی گرا علم است، علم تجربی، که دست در دست هم اینها توانمندی می آورند، بنابراین از دیدگاه چامسکی فرایندهای شناختی و بازنمایی ذهنی در تنظیم افکار تاثیرگذار است، انسان قادر به استفاده از نمادهاست، به کارگیری نمادها به انسان اجازه می دهد که خود را با محیط سازگار کند و آنها را که در ریشه می جویند نمادها را بیرون می آورند ولی نماد در زبان روز باید بازنمایی شود، باز گفته شود و به صورت هنر، به صورت یادگیری، ... و این بازی اگر اتفاق بیفتد توانمندی را موجب می شود، انسان با علامت گذاری و از طریق پردازش اطلاعات به تجربیات خود، شکل معنا و تداوم می بخشد، یادگیری یعنی بتوانیم این حرکت را به وجود بیاوریم یعنی بتوانیم نمادینه ساختن ها را بیاوریم، چون ما هم در پردازش سهم هستیم. اجازه بدهیم مشارکتی بازمینی بکنیم، باز معنا بسازیم ولی ریشه ها را پاس بداریم. گنیل از کسانی بود که در حوزه آموزش برای یادگیری کوشش کرد و تحت فرایندی حرکت از ذهن تازه کار به ذهن خبره را بیان کرده است. اگر ما این را ندانیم که انسان چگونه اطلاعات محیطی را دریافت می کند، غراب می کند، رمز گشایی و معنا سازی می کند، ذخیره می کند، و چگونه از این اطلاعات برای تصمیم گیری ها استفاده می کند، این ضروری است، الان روانشناسی شناختی در چارچوب علوم شناختی به صورت یک ستاد در کشور ما در آمده است، ولی درینج که بعد یادگیری اش وارد صحنه شود و گفته شود و به چالش بکشیم؛ من فکر میکنم یکی از جلسات را شما بعد یادگیری اختصاص بدهید و از ستاد هم دعوت کنید. یادگیری خودش یعنی همین، مراحل یادگیری و به خصوص گذر از حافظه رویدادی به معنایی مثل همین علوم شناختی. باید این دو حافظه بلند مدت که شامل حافظه روایتی و معنایی است، ما اصولاً در نظام آموزشی مان حافظه روایتی مان رشد می کند، اصلاً معنا ساختن را تمرین نکردیم و این ستاد شناختی خوب است که این را به فضا بیاورد.



ولی وقتی می خوانید اصلا اشاره ای نمی شود. من نمی دانم چه کسی متولی این رصد و پایش و انتخاب باید باشد، یک مرجعیتی لازم است، دیگه اهمیت رویکردی شناختی در پردازش اطلاعات، ساختن مفهوم بازنمایی بسیار در یادگیری شناختی تعیین کننده است. ما نسبت به محیطمان از طریق حواس پنج گانه، محرک ها از طریق حواس پنج گانه که وارد مغز می شود که آنجا حافظه کوتاه مدت و بلند مدت هست از آن معنا می سازد، اگر این تجربه را کرده باشد، اگر این کلمه را شنیده باشد، اگر نسبت به این مقوله آشنایی داشته باشد، بنابراین تدریس هایی که پای تخته می رویم و مطلب را ارائه می دهیم، بدون اینکه مخاطبین را بدانیم با چه تجربه و دانش قبلی و زبان رشد یافته، زبان تخصصی مربوط جلوبمان نشستند یا اینکه نه موظفند گوش دهند. در هر حال این مفهوم بازنمایی و بهبودی بخشیدن به بازنمایی های ذهنی به معنای یادگیری در روانشناسی شناختی جای خیلی بزرگی پیدا کرده است، الگوهای پردازش اطلاعات، دیگر این در اختیارتان قرار می گیرد و شما اینها را مطالعه می کنید، بعد پیازه وارد صحنه می شود، دغدغه پیازه و روانشناسی ژنتیک، سازگاری مداوم، دایما راه را باز می گذارد، ما هیچ وقت در یادگیری به پایان خط نمی رسم، ولی این فرایند، فرایندی است که در دو سطح فردی و اجتماعی انجام می شود. تکوین شناخت در دو سطح فردی و اجتماعی انجام می گیرد. فاعل فعالانه دانش خود را می سازد، دیگر این انتقال دانش را باید از ذهن کنار ببریم و چقدر تریبون های ما در انتقال دانش فقط فعال است، اما خیلی ها باز ساکتند...

سازه گرایی اجتماعی، که این برای تعامل اجتماعی در ساختن دانش نقش تعیین کننده قابل است؛ یعنی باید در تعامل باشیم. یادگیری در تنهایی و انزوا انجام نمی گیرد، در تعامل است ولی پردازش داده درون مغز انجام می گیرد، حافظه بلند مدت و کوتاه مدت و انتقال درون فرد انجام می گیرد. از یک بازنمایی معنایی به یک بازنمایی درون فرد، نه از فرد به فرد... این یک بازی است که باید به آن توجه کنیم، انتقال درون فرد، اگر ما صد سال یک چیزی را می گوئیم و هیچ انتقالی صورت نگرفته، پس یادگیری اتفاق نیفتاده است، ولی اگر همینطور سوال مطرح می کنیم و میرویم دنبال همان ریشه هایی که ارزشمند است و آن را نو می کنیم با مفاهیم و عرضه ها و بازنمایی های نو، پس یادگیری دارد اتفاق می افتد.

با توجه به فضاهایی که اشاره شد و OER که وارد صحنه شده است، Open Educational و ... یعنی این امکان هست ولی من اگر از این همه عرضه یادگیرنده نشده باشم باز هم برداشتی نخواهم کرد، این چهار مورد هم زمینه برای یادگیری قرن ۲۱ به آن اشاره شده است: دانستن، انجام دادن، زیستن و به اتفاق زیستن، یادگیری برای هم زیستی، که باز در چارچوب BIG PICTURE هولستیک دیدن ما این چارتهها را لازم داریم، خودیادگیری هم که دقیقا ما را ملزم می دارد که مسلط به سواد رسانه ای باشیم. شبکه های جهانی به وجود آمده است و ایران هنوز در این شبکه هیچ گره ای را ندارد و امکان اینکه از این شبکه هم برخوردار باشیم لازمه اش این است که ما توانمند شده باشیم، مسلط به سواد رسانه ای باشیم، سواد دیجیتالی با تمام ویژگی هایی که می طلبد، اخلاقی باشیم، در صحنه باشیم، الان از این فضاهایی که به وجود آمده است متاسفانه در چارچوب توانمند شدن شهروند استفاده نمی شود چرا؟ چون به سواد اطلاعات رسانه ای مسلط نشدیم که این را در واقع در سه سطح به آن اشاره شده است، صلاحیت های پایه، صلاحیت های میانی و صلاحیت های پیشرفته، و برایش نشانگر و عملکرد تدوین شده است و ما می توانیم این را بازخوانی کنیم، انتخاب کنیم و به عنوان راهبرد وارد نظام آموزشی مان کنیم و برایش نشانگر عملکرد تدوین شده است و ما می توانیم این را بازخوانی کنیم. نتیجه گیری این است که با توجه به این پیشرفتهایی که به وجود آمده است، بنابراین شهروند یادگیرنده ملزم به یادگیری مداوم برای ساختن دانش باید باشد و ظرفیت سازی هم که از طریق زبان تخصصی مرجع باید مسلط باشیم و به کارگیری زبان تخصصی مرجع به روز در بازآموزی و توسعه حرفه ای مدیران ارشد و میانی و کادر آموزشی با هدف پیوند میان تفکر کل گرا و عمل یاددهی و یادگیری برای ارتقای تفهیم و تفاهم ملی ضرورت یافته و توصیه می شود.



## دکتر مقصود فراستخواه

ضمن تشکر از مباحثی که تا این جای کار داشتیم از اعضای پنل خواهش می‌کنم در برگه‌هایی که توزیع می‌شود هر کس تجربه‌ها و تأملات و دیدگاه خود را بنویسد؛ فکر می‌کنید در محیط‌های یاددهی و یادگیری ما چه تغییراتی باید صورت گیرد؟ در محیط‌های دانشگاهی ما چه تغییراتی باید صورت گیرد و به وجود بیاید تا بتواند آمادگی لازم را برای این آینده‌ای که پرتاب می‌شویم را داشته باشیم؟ فکر می‌کنید چه تغییرات مهمی در محیط‌های یاددهی و یادگیری کشور و سرزمین ما باید اتفاق بیفتد تا آماده آن آینده‌ای باشیم که به آن پرتاب می‌شویم و در ساختن این آینده بتوانیم مشارکت کنیم و فرزندانمان که در این کلاس‌ها تربیت می‌شوند بتوانند در خلق آینده و کشف آینده مطلوب این سرزمین مشارکت کنند؟ هرکسی با عبارات آزاد خود نکاتی را بنویسد تا همکارانم جمع کنند بر روی اینها دلفی انجام خواهیم داد

ردیف	پاسخ‌های کتبی اعضای پنل
۱	<ul style="list-style-type: none"> <li>• گذر از انتقال دانش به ساختن دانش - از پیش دبستانی تا دانشگاه - با مجهز شدن به صلاحیت‌های کلیدی - در فرایند یاددهی - یادگیری</li> <li>• پیش فرض: تربیت شهروند یادگیرنده مداوم برای مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در جهان به هم پیوسته و پیچیده عصر دیجیتال</li> </ul>
۲	<ul style="list-style-type: none"> <li>• برای تخیل تغییرات محیط‌های آموزشی آینده باید تخیلی از وضعیت جامعه آینده داشت و محیط‌های آموزشی را در بستر آن تخیل و با رویکردی همزمانی و در زمانی یعنی در ارتباط با سایر عناصر و اهداف آن جامعه و در فرایند گذر تاریخی آن به بحث گذارد</li> <li>• در محیط‌های آموزشی آینده اصل بر یاد دادن آنچه به آن دست یافته‌ام نیست، بلکه اصل بر یادگیری یادگیرنده است و این که چگونه می‌توان در کنش متقابل به معنای مشترک یا خلق معنایی جدید دست یافت</li> </ul>
۳	<ul style="list-style-type: none"> <li>• آموزش به سبک Holistic</li> <li>• آموزش بر پایه تفکر انتقادی</li> <li>• آموزش براساس درک میان رشته‌ای</li> </ul>



ردیف	پاسخ های کتبی اعضای پنل
	<ul style="list-style-type: none"> <li>• مدیریت آموزش بر پایه رویکرد مشارکتی</li> <li>• مدیریت بر پایه اولویت بخشی به تفکر توسعه پایدار</li> <li>• مدیریت آموزش برپایه استقلال مراکز کلان آموزشی و محوریت بخشیدن به آزادی علمی Academic freedom</li> <li>• ملحوظ داشته حقیقت جویی پیوستاری علم و دانش</li> </ul>
۴	<ul style="list-style-type: none"> <li>• تغییراتی که بایستی در محیط‌های یاددهی و یادگیری کشور شکل گیرد تا در مواجهه فعال با آینده این حوزه حضور مؤثرتر داشته باشند.</li> <li>• تغییر پارادایم عرضه گرایبی به تلفیق عرضه و تقاضا</li> <li>• تغییر زبان یادگیری و یاددهی (حداقل چند زبانه شدن)</li> <li>• توجه به خلق و تولید ثروت مبتنی بر دانش در مقیاس آموزش عالی</li> <li>• آمادگی برای ایجاد محیط آموزشی چند فرهنگی (ملی و بین المللی)</li> <li>• تغییر ساختار نظام تأمین منابع و بودجه ریزی</li> <li>• تغییر روش‌های یاددهی و یادگیری با توجه به تغییرات تکنولوژیک</li> </ul>
۵	<ul style="list-style-type: none"> <li>• ساختار دانشگاه غیر ایدئولوژیک شود.</li> <li>• ساختار دانشگاه‌ها مستقل و غیر سلسله مراتبی شود.</li> <li>• حاکمیت بپذیرد که دانش و محیط دانشی کنترل ناپذیر است.</li> <li>• فضای باز در دانشگاه شکل گیرد.</li> <li>• در جدال بین ایده‌ل‌لوی مستقر و فرهنگ تفکر، نیروی فرهنگ بتواند ایدئولوژی را از مدیریت نهادی دانشگاه عقب براند</li> <li>• در یک کلام باید ساختار و ترکیب نهادی آموزش ... از حالت متمرکز و بسته به سمت غیر متمرکز و باز جابجا شود.</li> </ul>
۶	<p>چه تغییراتی باید در محیط‌های یادگیری و یاددهی اتفاق بیافتد تا بتواند آمادگی لازم برای پرتاب به آینده را داشته باشیم.</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• شکسته شدن رابطه یک طرفه استاد و دانشجو - دو طرف شدن رابطه</li> <li>• تبدیل محتوا به محتوای پویا شکسته شدن قالب های از پیش تعریف شده برای محتوای درسی</li> <li>• پذیرش واقعیت‌های نو پدید در محیط بیرونی کلاسهای درسی توسط استاد و تأثیر گذاری آن بروی دانشجویان (مثلاً تأثیر تکنولوژی های نو بر دانشجویان)</li> <li>• تبدیل کلاس درس‌های آینده به کلاس درس زندگی و نه کلاس انتقال مفاهیم - اصول و نظریه‌های علمی صرف</li> <li>• تغییر نگاه اساتید به کلاس درس به عنوان تنها مکان یادگیری و تنها مکان وقوع فرایند - یاددهی - یادگیری</li> </ul>
۷	<ul style="list-style-type: none"> <li>• شکسته شدن مرزهای فضای فرهنگی - آموزشی با فضاهای اقتصادی - اجتماعی و سیاسی</li> <li>• واگذار شدن انتخاب از یاددهندگان به یادگیران - تحول در نظام پذیرش و ایجاد بسترهای لازم و واگذاری حق انتخاب به یادگیران</li> <li>• تحول در مالکیت کلاس و دانشگاه و تأمین کنندگان منابع</li> <li>• عدم مقاومت در برابر هجوم نیازهای ذینفعان بیرونی و در عین حال حفظ هویت دانشگاه در شکل دادن به نیازهای درست فرهنگی آموزشی</li> </ul>
۸	<ul style="list-style-type: none"> <li>• توسعه ظرفیتهای یاددهی - یادگیری Capacity development</li> <li>• گسترش تعامل سازنده باجهان</li> <li>• تعامل و استفاده بهینه از تکنولوژی‌های نوین</li> <li>• توجه به استقلال و آزادی علمی</li> <li>• توجه به ارزش ذاتی علم</li> </ul>



ردیف	پاسخ های کتبی اعضای پنل
۹	<ul style="list-style-type: none"> <li>• برداشتن نگاهی خطی از آموزش عالی " و نگاهی به دور از ایدئولوژی در برنامه ریزی های یاددهی "</li> <li>• " مشارکت خبرگان علمی " در تصمیم گیری ها</li> <li>• انعطاف پذیر کردن یادگیرندگان به معنی پرورش تفکر خلاق</li> <li>• می تواند زمینه های لازم را برای ورود به آینده - تا اندکی - هموار سازد.</li> </ul>
۱۰	<p>چه تغییراتی در محیط های یاددهی و یادگیری بایستی ایجاد شود تا بتوانیم آماده آینده ای باشیم که در آن پرتاب می شویم؟</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• در سطح آموزش عالی به علت محدودیت هایی که به لحاظ مالی وجود دارد و همچنین به دلیل اینکه سیستم مدیریت تاکنون سیستم متمرکزی بوده که از بالا به پایین همواره تکلیف شده است. بنابراین تغییرات حاصل در آموزش عالی مستلزم یک استقلال مالی - اداری و سازمانی است که بتوان زمینه ای برای اینکه دانشگاه خود محلی برای تصمیم گیری باشد.</li> <li>• پس استقلال دانشگاهها شرط اول است که بتوان به چنین فضایی دست یافت. پس وجود استقلال مالی - اداری و سازمانی شرطی است که حتماً بایستی انجام شود.</li> </ul>
۱۱	<ul style="list-style-type: none"> <li>• دانشجو باید به معنای واقعی دانشجو باشد (در حال حاضر بسیاری از دانشجویان فارغ التحصیل حتی مفهوم یادگیری را نمی دانند چیست)</li> <li>• متأسفانه در حال حاضر ما از بسیاری از روش ها و فناوری های روز در کشورهای دیگر عقب هستیم، من فکر می - کنم و امیدوارم در آینده بتوانیم با تکنولوژی روز دنیا پیش برویم و همچنان از روش یادگیری سنتی استفاده نکنیم (البته با شرایط فعلی امیدی به آن نیست)</li> <li>• ولی قطعاً کلاس درس در ۱۰۰ سال آینده بسیار متفاوت با کلاس های درس امروز باید باشد (امیدوارم در ایران نیز این اتفاق بیفتد) و ساده ترین تصور این است که لازم نباشد همه دور یک میز بنشینیم و در یک اتاقی به نام کلاس</li> </ul>
	<ul style="list-style-type: none"> <li>• در سطح آموزش عالی باید از تأکید بر روی پیوندهای سخت و ساختار به سوی پیوندهای نرم و روابط بین دانشجو یا یادگیرنده با استاد و مشارکت یادگیرنده در انتخاب و برنامه ریزی آموزشی پیش رفت. اکنون حوزه آموزش عالی کشور به شدت تحت تأثیر روابط تمرکز مدارانه است و ذینفع آموزش عالی در انتخاب دروس بر اساس نیاز وحتی برنامه ریزی آموزشی دخالتی ندارد باید براساس دخالت دادن و مشارکت دادن ذینفعان در این امر شرایط را برای محیط مناسب یاددهی - یادگیری مهیا نمود.</li> </ul>
۱۲	<p>تغییرات لازم پش روی کشور:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• نگاه هولوغرافیک و هولوتراپیک به رویدادها، جهان، و آموزش</li> <li>• زدودن اندیشه خطی، ایدئولوژیک و سطحی در سیاستگذاری</li> <li>• مهیا کردن ساختار کارآمد برای رویارویی مناسب با رویدادهای شگفتی ساز و عدم قطعیتها</li> <li>• یکپارچه کردن سیاستگذاری های آموزشی ضمن توجه به فردیتها و هویت های افراد و اقوام و هویت های جهانی</li> <li>• مشارکتی کردن سیاستگذاری های آموزشی</li> <li>• بهره برداری از نخبگان آینده پژوهشی در ترسیم چشم انداز آینده آموزش عالی</li> <li>• اجرای یک طرح مای در آینده نگاری راهبردی در امر آموزش با کلاس جهانی</li> <li>• تدوین برنامه یادگیری شتابان</li> </ul>
۱۳	<ul style="list-style-type: none"> <li>• توجه دادن مخاطبین به ضرورت و اهمیت این مسأله</li> <li>• فراهم کردن و تسهیل کردن مسیر این شناخت تا بدانند داشتن این موضوع چه فوایدی برای آنها در حال و آینده خواهد داشت.</li> <li>• نشان دادن نمونه ها و مصادیقی ولو جزئی برای فهم بهتر این فواید</li> <li>• در ضمن می توانیم برای اینکه به آینده پرتاب نشویم خودمان را با همین مطالب بالا آماده کنیم و برای پرش یا وارد شدن هراسی نداشته باشیم.</li> </ul> <p>تذکر: در این جلسه لازم است افراد دیگری دعوت شوند تا اثربخشی جلسات بالاتر برود من جمله سیاستگذاران وزارت</p>





ردیف	پاسخ های کتبی اعضای پنل
	آموزش و پرورش و مدیر کل دفتر تألیف کتابهای درسی <ul style="list-style-type: none"> <li>تغییر اساسی در نظام ارزشیابی کنونی که به اندازه گیری آن هم در سطح نازل آن تقلیل داده شده است.</li> </ul>
۱۴	<p><b>تغییرات محیط های آینده</b></p> <p>در سطح کلاس ← باید محیط بازی و تعامل گسترش یابد</p> <p>در سطح دانشگاه ← ساختار دانشگاه از بروکراسی رایج و قطبی بودن خارج شود. (چارچوبهای سنی، جنس، زمانی و مکانی شکسته شود) ← سیاستها باید بازار آزاد علمی را در سطح ملی فراهم کند.</p> <p>در سطح آموزش عالی ←</p>
۱۵	<ul style="list-style-type: none"> <li>تا اینجای قضیه به آینده پرتاب شدیم و درک درستی از آن نداریم و چه تغییراتی باید در محیط یادگیری و یاددهی اتفاق بیفتد تا در ساختن آینده مشارکت کنند.</li> <li>در سطح آ-ع: تغییر روند حاکم از ساختار عمومی به افقی، از متمرکز به غیر متمرکز و نهایتاً استقلال دانشگاه به غنای واقعی کلمه، آزادی های علمی</li> <li>در سطح کلاس: تأکید بر فرایند یاددهی و یادگیری با رویکردی Blended learning، تأیید بر حافظه معنایی، پرهیز از حفظ طوطی وار</li> <li>در سطح جهانی: اجتناب از رویکرد جزیره ای و مشارکت فعال در سطح بین المللی و جهانی، همراه شدن با تحولات نظام تکنولوژیک</li> </ul>
۱۶	<ul style="list-style-type: none"> <li>تمرکز زدایی از نظام آموزش عالی</li> <li>استقلال دانشگاه</li> <li>اختیارات گروهها</li> <li>اعتبار سنجی توسط حرفه ای ها و ... بین المللی</li> <li>روشهای یادگیری مشارکتی</li> <li>آزادی علمی</li> <li>تقویت اجتماعات یادگیری</li> </ul>
۱۷	<ul style="list-style-type: none"> <li>لازم است به بحث مشارکت دانشجویان در کلاسها توجه بیشتری بشود و از حالت استاد محوری خارج شود.</li> <li>درخصوص حضور دانشجویان در کلاس انعطاف بیشتری صورت گیرد.</li> <li>به سطح دانش و اطلاعات دانشجویان توجه شود و در فرایند یاددهی از دانشجویان مستعد و با اطلاعات زیاد، بهره گیری شود.</li> <li>بخشی از دروس به صورت مجازی و الکترونیکی ارائه شود.</li> </ul>
۱۸	<ul style="list-style-type: none"> <li>ابتدا باید ببینیم که در سطح یادگیری درونی چه تغییراتی در آینده رخ خواهد داد و سپس براساس آن درخصوص یاددهی تصمیم گیری نمائیم</li> </ul>



① - توسعه ظرفیت‌های یاددهی و یادگیری  
Capacity development

③ - گسترش تعامل با جهان  
سازنده

④ - تعامل دانشگاه با جامعه (از تکنولوژی تا آفرین)

④ - توجه به استقلال و آزادی علمی

⑤ - آرزوی دانش معلم

یاسنج : خورشید صبح ۱۳/۲/۲۴

گذر از انتقال دانش به  
سابقین دانش - از پیش درستی  
تا دانشگاه - با بجز شدن به  
جلاصیت های مکتوبی - در علم  
یاددهی - یادگیری

پس درص : تربیت شده در یاددهی به  
سوی مسئولیت پذیری و پاسخگویی  
در پایان به علم یاددهی و یادگیری  
عمود د- جنتان

۱- شکسته شدن مرزهای فضای فرمتی -  
آموزش با فقدان استعدادهای انسانی و  
سیاسی

۲ - دانش آوران انتخاب از یاددهندگان  
به یادگیرندگان - تحول در نظام پذیرش  
لیسانس و ایجاب سبک کار لازم در دانش آوران  
انتخاب به یادگیرندگان

۳ - تحول در مالکیت مدارس درازنه‌گاه  
و تأسیس کسب‌کارهای صنایع

۴ - عدم تعادلی در برابر هجوم نیاز کارشناسان  
به روزی دروس محل حفظاً حکومت دانشگاه  
در شکل دادن به نیاز کار درست فرمتی آموختن

تغییرات در بافتی در محیط‌های یاددهی و یادگیری  
تا در مواجهه فعال با آینده این حوزه حضور پررنگ داشته باشند

تغییر پارادایم ارزش‌های به تلقین عرفان الهی و تقاضای  
عمومی عنوان آموختن

تغییر زبان یادگیری و یاددهی (مفاهیم چندزبانه آموختن)

توجه به هلقا و کله‌گروک مبسوط بر دانش در حقیقت

ایزدهای عالی

آیندی برای ایجاد محیط آموختن و یاددهی (در سطح عالی)

تغییرات نظام آموختن و یاددهی

تغییر رویه‌های یاددهی و یادگیری بر مبنای تغییرات تکنولوژی

### نسرین قطبی: کارشناس موسسه

سؤالی هم در اینجا به میان می آید. توسعه دانشگاه مجازی باید باشد یا نه؟ به عبارتی به دلیل کم هزینه بودن سایر امتیازات از او گرفته می شود؟

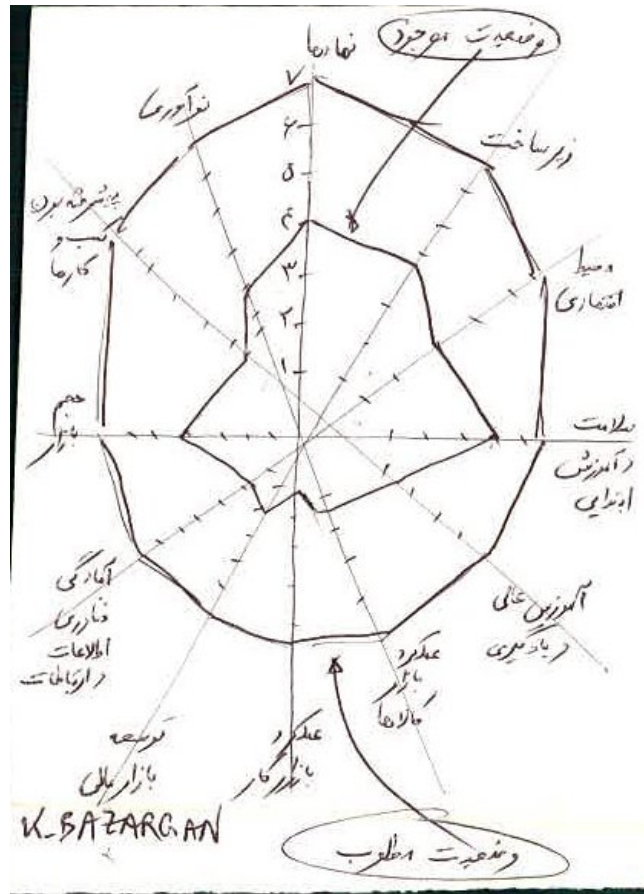
### دکتر کاوه بازرگان: عضو هیات علمی گروه مدیریت و فناوری اطلاعات

یک صفحه آمار و اطلاعات دقیق حالا یا از مرکز فناوری اطلاعات وزارت آموزش و پرورش یا آموزش عالی در اختیار همه قرار بگیرد و به همه نشان داده شود که مثلاً ما وضعیتمان در آموزش عالی کجاست که این می شود نقطه شروع و درباره آن عکس العمل های مختلفی که دوستان نشان می دهند یک نقطه مشترکی باشد که همه بر این مبنا شروع بکنیم.

### دکتر رضا منیعی: معاون پژوهشی موسسه



نظام آمار و اطلاعاتمان که پایه گزارش آقای دکتر بازرگان است از سال ۱۳۴۸ در موسسه شکل گرفته و از نظر پوشش اطلاعاتی کل موسسات آموزش عالی کشور اعم از دولتی، غیر دولتی، پیام نور، جامع علمی کاربردی، وزارت بهداشت و تمام جاهایی که با مجوز دفتر گسترش موسسه آموزش عالی است پوشش داده شده است، شامل آمار ثبت نام شدگان است کسانی که برای اولین بار وارد حوزه آموزش عالی شده اند، امار دانشجویان، امار فارغ التحصیلان، اعضای هیات علمی، اعضای کارمندان و کارکنان غیر آموزشی است، اینها از گذشته از سالهای خیلی دور شکل گرفته و تکمیل شده و الان نظام آمار ثبتی اینجا مستقر است و الان چهارمیلیون و ششصد و هشتاد هزار دانشجویی که در سال گذشته داشتیم برای اینها تک تک رکورد اطلاعاتی وجود دارد. نام و نام خانوادگی و کد ملی و رشته و... انواع و اقسام گزارش ها قابل تولید است و هر سال هم موسسه یک کتاب گزارش آمار آموزش عالی را منتشر می کند و این گزارشها از ابعاد مختلف در اختیار متقاضیان قرار می گیرد اعم از داخل کشور و خارج کشور، یونسکو آماری که در سایتش دارد از موسسه برای آنجا ارسال می شود. از حوزه های مختلف برنامه ریزی و سیاستگذاری درخواست های مختلفی روزانه داریم و به نوعی این در اختیار برنامه ریزان و سیاستگذاران قرار می گیرد، ولی چیزی که خیلی مهم است و شاید دغدغه شما است این است که الان ۷۰ درصد دانشجویان ما پیام نور هستند، دانشگاه آزاد و جامع علمی کاربردی هستند. کلاس های اینها در آینده چه خواهد شد؟ کلاس هایی که الان در ارشد و دکتری در دانشگاه آزاد ۴۰ یا ۵۰ نفر نشسته اند، دانشجویان ارشد که در به در دنبال استاد راهنما می گردند و... اینها چه خواهد شد. این می تواند موضوع بحث شود و واکاوی شود، الان از این حجم فقط ۱۴٪ جز آموزش رایگان هستند و ۸۶ درصد آنها دارند هزینه پرداخت می کنند، چرا هیات علمی خانم فقط ۲۰ درصد در دانشگاه ها هستند.



## نتیجه گیری از کل بحث

دکتر مقصود فراستخواه:

سپاسگزاری می کنم از حضور و بحث اعضای محترم این پنل و گفتگوی سرشار و هم افزایی دیدگاهها. شاید بتوان برای پرسشهای پنل که در آغاز عرض کردم، پاسخ های کلی اولیه به شرح زیر استنباط کرد:

### از کلاس درس آینده دانشگاهها چه تصویری داریم؟

بکلی متفاوت:

در سال ۱۹۰۰ مسابقه‌ای در کشور فرانسه برگزار شد تا مردم حدس بزنند ۱۰۰ سال آینده (یعنی در سال ۲۰۰۰) در حوزه های مختلف چه تصویری دارند؟ یکی از آن تصاویر، تصویری بود که از کلاس آموزشی آینده ترسیم شده بود و نشان داده بود معلمی کنار کلاس ایستاده ، کتابها در وسیله ای شبیه چرخ گوشت ریخته می شوند و از بالا سیمی به گوش دانشجویان وصل است و دانشجویان نشسته اند بدون اینکه هیچ کتابی جلویشان باشد. در واقع نشان می داد همینطور که تکنولوژی جلو می رود، ۱۰۰ سال آینده دیگر کتابی در کار نیست.

بشدت شبکه ای شده:

نمود بشدت دگرگون ساز فناوری اطلاعات و ارتباطات در محیط های یاددهی-یادگیری. در عین حال با ترکیبی از مهارت های مجازی و غیر مجازی. ولی فضای جریان ها بر فضای مکان غلبه کامل خواهد کرد . کلاس های آموزشی به شکلی سیال و شبکه ای برگزار می شود. در محیطهای جدید کلاس صبح ما در یک کشور و کلاس عصر در کشوری دیگر خواهد بود. رساله های کارشناسی ارشد و دکتری دارای اساتید راهنما به صورت همزمان از کشورهای مختلف خواهند بود. مدرس نه لزوما چند نفر پای کلاس بلکه شاید چند هزار نفر مخاطب همزمان شبکه ای با انواع نیازها مواجه خواهد شد

خیلی سیال و گریز پا :

آموخته ها خیلی زود کهنه می شوند. نیمه عمر دانش که دیگر از ۵ سال هم دارد کمتر می شود

با ترکیب ومعنای تازه ای از مهارتها :

به طور کلی کلاس های آینده بر سه بعد تکیه خواهد کرد:

- ۱-مهارت های فردی(ابتکار،سخت کوشی، مسولیت پذیری، خلاقیت، خطرپذیری)
  - ۲-مهارت های اجتماعی(همدلی، شفقت،همکاری، مشارکت، کارهای گروهی در شبکه)
  - ۳-مهارت های یادگیری(مهارت های فراشناختی، سازمان دادن، مهارت های خود کارامدی)
- یادگیری و یاددهی ، یادگیرنده محور، فعال،ساختن گرا، مبتنی بر انگیزش و درگیر شدن یادگیرندگان در فرایند یادگیری خواهد بود

همه جایی وهمه وقتی:

همه جا، هر زمان ، و مادام العمر خواهد بود .محدودیت های زمان و مکان از بین خواهد رفت .

مشارکت جو:



کلاس های آتی مشارکتی خواهد بود

### شبیه سازی شده:

با استفاده از شبیه سازی بسیاری از موارد غامض و یا بسیار انتزاعی قابل درک می شود .

### شکسته و شگفت ناک:

شگفتی سازهای روند شکن ( Wild cards ) نه تنها چهره بلکه فلسفه و محتوای یاددهی و یادگیری را دگرگون خواهد کرد

### ذهنهایی مدام دربرافروخته شدن به جای پرشدن و خالی شدن:

« آموزش پرکردن یک سطل نیست، بلکه برافروختن یک آتش است! » دلیو ب. بیتز

### تنوع سنی:

کلاسی خواهیم داشت که ترکیب سنی افراد بسیار متفاوت و پراکنده است

### میان رشته گرا:

یک استاد نخواهد بود بلکه استادان مختلف به صورت موردی و اقتضایی می آیند و می روند از رشته های متعدد

### چند ملیتی و چند فرهنگی:

استادان ترکیبی چند ملیتی تر پیدا خواهند کرد . کلاس های درس در آینده طیف متنوعی از قومیت ها و ملیت ها و فرهنگها خواهد بود

### پودمانی:

برنامه درسی بر حسب نیاز و تقاضایشان تعریف می شود و از حالت ثابت خارج خواهند شد و اصطلاحاً برای متقاضیان تک دوزی خواهد شد.

### همراه:

تکنولوژی موبایل در فضای آموزشی ما مستقیماً وارد خواهد شد و تاثیر زیادی در تغییر روش ها ایجاد می کند.

## مهم ترین پدیده های نوظهور برنامه های درسی دانشگاهی در دنیا کدامند؟

### تجاری شدن

تجاری سازی آموزش عالی قوت می یابد و شهریه نقش بیشتر پیدا پیدا می کند و دانشجو بیش از امروز صفت مشتری به خود می گیرد

### ممکن شدن ناممکن ها

آزمایش هایی که ممکن است خطرناک باشد امکان شبیه سازی پیدا می کند.

### ناپدید شدن کلاس

اگر بخواهیم صحبت از ۵۰ سال آینده بکنیم، آن موقع باید به این موضوع به شکل دیگری نگاه کنیم. مثلاً اینکه شاید دیگر کلاسی در کار نخواهد بود

### شتاب طبقه متوسط جهان





هویت های نوظهور برخاسته از طبقه متوسط جهان حتی آنی منتظر فناوری های نو پدید می مانند فیس بوک و فناوری های مبتنی بر اندرویدی هم نمی ماند

### احتمال سبقت گرفتن عرصه های دیگری از نهادهای رسمی آموزشی

رویدادهای اصلی یادگیری در میهمانی های خانگی و اجتماعات محلی شهروندان و سبک زندگی امروزی ممکن است از پستوهای دانشگاهی سبقت بگیرد

### تعدد بازیگران و بیرون رفتن از کنترل دولت

ساختار ها و بازیگران زیادی به میدان می آیند و آموزش از دسترس و انحصار مستقیم دولت ها خارج می شود بنابراین دیدگاه خطی و اقتدارگرای حکومت ها و ایدئولوژی ها نمی تواند راهگشای مسائل نوپدید باشد.

### تراز تازه ای از کیفیت

تراز کیفیت یادگیری عالی نه تنها ابعاد فرا ملی و جهانی تازه ای پیدا می کند بلکه معیارهای آن متحول می شود. استانداردها، غیر استاندارد می شود

## کلاس های درسی دانشگاه های ایرانی تا چه حد با آهنگ تحولات جهانی آموزش دانشگاهی همزمانی دارد؟

### ناهمزمانی ما با آهنگ جهانی:

روشها، فرایندها، برنامه ها و ارزشیابی معمول ما به طرز نومید کننده ای نا کارآمد است نحوه اداره کلاس ها با تحولات همراه نیستند آمادگی برای تغییرات علمی و تکنولوژی جدید نداریم، تغییرات سریع تکنولوژی، علم و جمعیت دانشجویی و آمادگی پذیرش تجرب جدید و نوآوری های ملی و بین المللی ما اصولا در نظام آموزشی مان عمدتا در حافظه روایتی متوقف می شویم، اصلا معنا ساختن را تمرین نمی کنیم امروزه در فضاهای آموزشی ما در بهترین حالت انتقال دانش دنبال می شود، حتی با وجود اینکه فناوری اطلاعات آمده است ما یک کج فهمی در باب یادگیری داریم، یادگیری کسب دانش نیست، بلکه ساختن دانش است.

## محیط های یاددهی و یادگیری دانشگاهی ما در سال های آتی با چه تغییرات چالش زایی دست به گریبان خواهند بود؟

### تنوع انتظارات نوپدید

انتظارات بیشتر ذی نفعان متنوع برای خدمات آموزشی متنوع

### دنیای رقابتی و ما که شرایط رقابتی نداریم

محیط های چالش انگیز و در عین حال رقابتی آینده

### نیازهای سیال، شتابان و متحول

مسأله این است که اصولا فرایند و محتوی آموزش در کشور ما اقتدارگرا است یا جامعه محور و نیاز محور؟ ما در چه فضایی از پارادایم های آموزشی به سر می بریم؟ رویه های نهادی و ارزشی ما چه تناسبی با نیازهای سیال، شتابان و متحول دهه های آغازین هزاره سوم دارد؟ آیا رویه های کنونی منجر به طراحی کلان تصویری از آینده ای مثبت، شفاف و مشارکتی در امر آموزش می شود؟

### فرسوده و ناکارآمدیم

رویه های کنونی از هم گسیخته، کم عمق، فرسوده و ایستا است

### جدا افتاده و منزوی هستیم

شبکه های جهانی به وجود آمده است و ایران هنوز در این شبکه هیچ گره ای را ندارد



### منابع ما متنوع نیست

بودجه های آموزشی محدود است و فاقد تنوع لازم است

## با درکی که از آینده علم آموزی در دانشگاهها در جهان و ایران، و از ظرافتها و چالشهای آن داریم، چه سیاستها و راهبردهایی برای جهت گیری به سمت آینده مطلوب لازم است؟

### کلاس

درگیر کردن دانشجویان در یادگیری و تربیت آنها به گونه ای که بتوانند به نحوی کاربردی از آنچه یاد می گیرند در دنیای متفاوت آینده استفاده کنند

راهبردهای فراشناختی، خود گردانی و انگیزشی برای پرورش تفکر انتقادی و تخیل خلاق و تشکیل اجتماعات یادگیری

### استقلال دانشگاهی و آزادی علمی

استقلال دانشگاه ها و محوریت بخشیدن به آزادی علمی. ساختار دانشگاه غیر ایدئولوژیک و مدیریت آن مستقل از سیاست شود. ساختار دانشگاهها مستقل و غیر سلسله مراتبی شود. دانش و محیط دانشی کنترل ناپذیر است. فضای باز در دانشگاه شکل گیرد. ساختار و ترکیب نهادی آموزش ... از حالت متمرکز و بسته به سمت غیر متمرکز و باز جابجا شود. تغییرات حاصل در آموزش عالی مستلزم یک استقلال مالی- اداری و سازمانی است که بتوان زمینه ای برای اینکه دانشگاه خود محلی برای تصمیم گیری باشد. ساختار دانشگاه از بوروکراسی رایج و قطبی بودن خارج شود. اختیارات گروههای دانشگاهی افزایش یابد

### برنامه ها

انعطاف پذیری و نوآوری

### نحوه ارائه خدمات

خدمات آموزشی متنوع

### کیفیت هیأت علمی

هیچ چیز جای معلم و استاد و آموزشگر را نخواهد گرفت ، پس نیاز به کیفیت هیأت علمی در سطح بسیار بالا داریم

### اعتبار سنجی کیفیت

نیاز به تحرک در زمینه ایجاد نظام اعتبار سنجی آموزش عالی توسط حرفه ای ها و ... بین المللی

### مدل تلفیقی

به مدلی از راهبردهای آموزش تلفیقی Blended Learning نیاز داریم

### تغییر در اهداف و نه تنها وسایل

در آینده شغل ها و شبه شغل های جدیدی که تصورش را اکنون نمی کنیم پدید خواهد آمد دانشگاه های ما ناگزیر باید اهداف خود را و نه تنها وسایل شان به طور کلی عوض بکنند

### چند فرهنگی

کلاس هایی چند فرهنگی چه در سطح ملی و چه تراز جهانی داشته باشیم،

استاد در نظام آموزش عالی ایران می تواند استاد با ملیت ایرانی نباشد بلکه استاد مدعوی است که از یک دانشگاه از کشوری دیگر در جمع دانشجویان حاضر بشود

### چند زبانی

آموزش چند زبانه (فارسی، انگلیسی و...) لازم داریم

بازهم از همه شما عزیزان به خاطر شرکت در پنل و بحث های جدی تان تشکر می کنم